



عدالت اجتماعی در تجربه حکمرانی متعالی - انقلابی

(مطالعه تطبیقی گفتمان غرب و انقلاب اسلامی)

هادی عبدالملکی*^۱

لیلا مجدانی^۲

طاها عشایری^۳

علی قنبری^۴

چکیده

عدالت اجتماعی ارزش و مطالبه‌ای همیشه زنده و تازه است؛ از این رو همه حاکمیت‌ها بر پاسداشت آن به عنوان عملی عقلانی، اخلاقی یا ارزش اجتماعی در راستای حکمرانی متعالی تأکید کرده‌اند. بر همین اساس رقابت بر سر مصادره به مطلوب عدالت اجتماعی چالشی بنیادین بین

۱. دکتری آینده‌پژوهی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) ha.abdolmaleki48@gmail.com

۲. دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه مالایا، کوالالمپور، مالزی

۳. استادیار جامعه‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

۴. دکتری جامعه‌شناسی و عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران





مکاتب مختلف است. این تحقیق با هدف «تبیین جایگاه عدالت اجتماعی در حکمرانی متعالی» با روش ترکیبی «تحلیل گفتمان برساخت‌گرایی- پس‌نگری» با مقایسه دیدگاه‌های متفکران اسلامی و غربی، به‌خصوص دیدگاه‌های رهبری انقلاب اسلامی (به‌عنوان گفتمان غالب در انقلاب) با عنوان «تجربه انقلاب اسلامی» انجام شده است. نتایج تحقیق نشان داد در حالی که مدعیان تمدن غربی خود را واضح و مدافع عدالت اجتماعی می‌دانند، عدالت اجتماعی در تاریخ اندیشه اسلامی، به‌ویژه ساختار گفتمانی رهبران انقلاب اسلامی، به‌مثابه روح و جوهره این گفتمان است؛ به این معنی که افق انقلاب بدون عدالت تهنی است؛ بنابراین عدالت ناموس و جوهره حکمرانی اسلامی - انقلابی محسوب می‌شود.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که رهبران انقلاب اسلامی در جایگاه حکمرانی اسلامی با درک ضرورت زمان از طریق وضع قوانین بالادستی، نهادسازی، بازتوزیع فرصت‌ها، منابع و امکانات در گسترش عدالت با رویکرد رفاه و تأمین اجتماعی در عرصه‌های مختلف، به‌ویژه در محرومیت‌زدایی، مقابله با فقر مطلق، عدالت آموزشی، عدالت اقتصادی، عدالت بهداشتی و درمانی از طریق ساختارسازی و بنیان‌گذاری نهادهای انقلابی مانند جهاد سازندگی، کمیته امداد، نهضت سوادآموزی، خانه‌های بهداشت روستایی، بنیاد مسکن، بنیاد مستضعفان و... عملاً به بازتوزیع ثروت ملی و تحقق عدالت اجتماعی پرداخته‌اند. همچنین وجه مشترک این اقدام حکمرانی با رویکردهای نوین غربی به عدالت را می‌توان در چهار مورد کلی بازگو کرد: ۱. قانون اساسی و قوانین موضوعی عادلانه؛ ۲. ایجاد نهادها و ساختارهای بنیادین عادلانه؛ ۳. اتخاذ رویه‌ها و راهبردهای عادلانه؛ ۴. تعاملات و مراودات عادلانه از جمله همدلی‌ها، مشارکت‌ها، مسئولیت‌پذیری و اطلاع‌رسانی در فرایند دموکراسی و انتخابات مردمی و آزاد.

کلیدواژه‌ها:

حکمرانی متعالی، عدالت اجتماعی، گفتمان، انقلاب اسلامی، غرب



۱. مقدمه و بیان مسئله

۱-۱. مقدمه: مسئله عدالت در طول زندگی اجتماعی بشر یکی از جذاب‌ترین موضوعاتی است که بیشتر مکاتب فلسفی و اجتماعی به آن پرداخته‌اند. عدالت با هر پسوندی (فردی، اجتماعی، حقوقی، اقتصادی، فرهنگی و...) که به کار رود به کیفیت روابط بین افراد در زندگی روزمره مربوط است. بر همین اساس همه نظام‌های اجتماعی درصدد هستند که در فرایندها، تعاملات بین فردی و اجتماعی قواعدی برای آن وضع کنند. مبنای اصلی تعریف دقیق دامنه مفهومی و مصداق عدالت، حق است. حق یعنی رعایت آنچه متعلق به فرد یا آنچه شایسته وجود او نسبت به فرد دیگر است. از منظر قرآن و روایات، دو قول معروف در ارتباط با عدالت وجود دارد: یکی «ادای حق» و دیگری «قرار گرفتن شیء در محل خود» (فوادیان دامغانی، ۱۳۸۲: ۲۷). با گسترش و پیچیدگی روابط بین فردی مفهوم عدالت نیز معنای وسیع‌تری پیدا کرد و با دخالت سازمان‌های اجتماعی در ساماندهی روابط، دامنه عدالت نیز از عدالت فردی به عدالت اجتماعی گسترش یافت و سازمان‌های اجتماعی براساس منشورهای رسمی و قانون و مقررات جمعی، مسئول تشخیص و اجرای عدالت شدند.

۱-۲. ضرورت موضوع: بررسی این موضوع از این نظر ضرورت دارد که احساس عدالت در جامعه یکی از مهم‌ترین شاخص‌های ارزیابی سلامت حکمرانی است؛ بنابراین برداشت مثبت از عدالت موجب خرسندی و بالندگی اجتماعی و احساس نابرابری، تبعیض و بی‌عدالتی موجب نارضایتی و سرخوردگی فردی و اجتماعی می‌شود. بر همین قاعده، همه جوامع در تلاش‌اند با گسترش سازمان‌های حمایتی و پوشش اجتماعی به اجرای عدالت کمک کنند؛ بنابراین تحقیق درباره وضعیت اجرای عدالت در گفتمان انقلاب اسلامی علاوه بر گسترش دامنه معرفت و دانش درباره عدالت، موجب افزایش آگاهی و اطلاعات متولیان و دست‌اندرکاران برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری حکمرانی متعالی از میزان احساس عدالت اجتماعی می‌شود و امکان درک وضعیت اجرای عدالت اجتماعی و ارزیابی عملکرد نظام نزد افکار عمومی توسط رهبران و کارگزاران را نیز فراهم می‌کند.

۱-۳. اهمیت موضوع: از بُعد سلبی، اهمیت تبیین وضعیت عدالت اجتماعی بر مبنای ارزیابی عملکرد یک نظام اجتماعی با معیار توزیع عادلانه و رویه‌های عادلانه می‌تواند از خسارات و نارضایتی ناشی از روش و شیوه‌های اجرایی برنامه‌های عدالت اجتماعی حاکمیت جلوگیری کند. از



بعد ایجابی، تبیین علمی وضعیت اجرای عدالت در حکمرانی متعالی موجب ارتقا و انباشت دانش عمومی درباره عدالت به‌عنوان یک پیش‌ران حاکمیتی می‌شود. همچنین از این جهت که استناد و تکیه‌گاه مشروع و قابل قبول برای بهبود و تقویت تعاملات و ارتباطات حاکمیت با گروه‌های هدف در اجرای مأموریت‌های عدالت‌محور می‌شود، بسیار اهمیت دارد؛ ازجمله شامل توزیع منابع و فرصت‌های ملی، رفاه و بهزیستی عمومی، نظام آموزشی فرصت‌ساز، بیمه همگانی و همچنین موجب توسعه زیرساخت‌های عدالت‌پایه در حکمرانی متعالی است.

۴-۱. مسئله اصلی: برخلاف رویکرد سنتی به عدالت به‌عنوان یک فضیلت، امروز عدالت اجتماعی به یکی از محورهای اصلی سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و حکمرانی اجتماعی تبدیل شده است و وضعیت اجرای عدالت یکی از عرصه‌های پُر مناقشه و مسئله‌خیز به‌ویژه در حکمرانی است. عدالت در حکمرانی، به‌خصوص در عرصه اقتصاد و چگونگی تقسیم و توزیع منابع کمیاب و منافع بین ذی‌نفعان (ذی‌حقان) تا حدودی برجسته‌تر از سایر وجوه عدالت است. بنابراین عدالت در تولید، توزیع و مصرف نیازمندی‌های جامعه به‌عنوان اولین عرصه تحقق عدالت اجتماعی در تجربه حکمرانی متعالی است که همه افراد بر آن تأکید می‌کنند. در تجربه انقلاب اسلامی، عدالت در حکمرانی اسلامی همیشه مورد تأکید رهبران انقلاب بوده است و آنان خود در این مسیر مطالبه‌گر عدالت هستند. رهبر معظم انقلاب می‌فرماید: «امام از اول اعلام عدالت کردند. خب، عدالت اجتماعی از همه این کارها سخت‌تر است. من به شما عرض بکنم از حفظ مردم‌سالاری و بقیه کارهایی که در جمهوری اسلامی شده است، استقرار عدالت اجتماعی کار سخت‌تری است؛ بسیار کار دشواری است. نمی‌گویم هم که ما تا امروز توانستیم به‌طور کامل عدالت اجتماعی را مستقر کنیم؛ نه هنوز خیلی فاصله داریم. آن عدالتی که اسلام از ما خواسته است، با آنچه امروز در جامعه ماست، فاصله زیادی دارد» (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۸۹/۱۱/۱۵). تحقیقاً تعیین، تعریف حدود و دامنه عدالت به شیوه علمی و کارشناسی و قانونمند صرفاً یک جنبه از موضوع است. جنبه به‌مراتب مهم‌تر از خود عدالت و اجرای آن، مسئله برداشت، تصویر و احساس مخاطب و گروه‌های هدف یا ذی‌نفعان از عدالت و عادلانه بودن شیوه‌ها و فرایند اجرای آن است. این احساس زمانی که با حکمرانی مربوط می‌شود، یکی از چالش‌های اصلی در ارزیابی عملکردهاست؛ به این



علت که معمولاً مخاطبان عدالت اجتماعی در بازگویی‌ها عموماً ناراضی یا مطالبه‌گرند؛ برای مثال در ایران با افزایش روزافزون هزینه‌های نظام سلامت ناشی از گسترش فناوری‌های جدید و گران‌قیمت سلامت، افزایش انتظارات جوامع از نظام‌های سلامت و رشد بیماری‌های مزمن، هزینه‌های سلامت در سبد خانوار رشد قابل ملاحظه‌ای یافته‌اند. برخی از مشکلات حوزه سلامت ساختاری هستند و برخی هم خارج از حوزه سلامت و سیاست‌های کلان سلامت، نشئت گرفته‌اند. البته تلاش‌های زیادی برای ارتقای عدالت در سلامت در کشور با اجرای برنامه‌هایی همچون پزشک خانواده، طرح تحول سلامت، بیمه رایگان ایرانیان و غیره صورت گرفته است، اما هنوز دستاوردهای قابل انتظار برآورده نشده است (بااوش و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۰۴). بنابراین مراجعه مستقیم برای تعیین احساس عدالت یک مسئله پر مناقشه است. بازگویی عملکردها در رویکرد حکمرانی یکی از شیوه‌هایی است که می‌تواند با استناد به رویکردها و رویه‌ها صورت بگیرد و قضاوت نهایی را بر عهده مخاطب قرار دهد. حال سؤال اصلی این است که آیا در گفتمان رهبران انقلاب اسلامی اصل عدالت اجتماعی موضوعیت دارد؟ عدالت در تجربه حکمرانی انقلاب اسلامی با چه رویکرد و ابعادی مورد تأکید بوده است؟ نشانگرهای عدالت اجتماعی در تجربه حکمرانی انقلابی در طول چهار دهه عمر انقلاب اسلامی از چه وضعیتی برخوردار است؟

این مقاله با هدف کلی تبیین جایگاه عدالت اجتماعی در حکمرانی متعالی براساس گفتمان رهبران انقلاب اسلامی، درصدد تحقق اهداف جزئی‌تر از جمله الف) تبیین جایگاه نهادهای انقلابی در تحقق عدالت اجتماعی؛ ب) پیش‌ران‌های عدالت اجتماعی در تجربه انقلاب اسلامی؛ ج) بررسی و مقایسه تطبیقی رویکرد عدالت انقلابی با عدالت رایج در گفتمان غرب است.

۲. ادبیات موضوع و پیشینه پژوهش

۲-۱. مبانی نظری

- مفهوم عدالت

«ریشه لغوی عدالت، عدل است. عدل به معنی داد کردن، داد دادن؛ عدالت اسم مصدر از فعل ۵



لازم و به معنای عادل بودن، دادگری، انصاف داشتن، دادگر بودن است» (عمید، ۱۳۶۳: ۸۵۹).
نفیسی در کتاب «فرهنگ» عدل را به معنی برابری و تساوی و انصاف و داد و ضدجور دانسته است
(نفیسی، ۱۳۵۵: ۲۳۲۰ و ۲۳۲۳).

برتراند راسل در تعریف عدالت این گونه می‌گوید: «عدالت عبارت از هر چیزی است که اکثریت
مردم آن را عادلانه بدانند. یا عبارت از نظامی است که آنچه را که به تصدیق عموم، زمینه‌هایی برای
نارضایتی مردم فراهم می‌کند به حداقل برساند» (حکیمی، ۱۳۷۶: ۴۴).
رالز عدالت را این گونه تعریف می‌کند: «عدالت عبارت است از حذف امتیازات بی‌وجه و ایجاد
تعادل واقعی میان خواسته‌های متعارض انسان‌ها در ساختار یک نهاد و اجتماع» (نصری، ۱۳۸۲:
۱۰).

مرینون و رالز عدالت اجتماعی را به معنای مجموعه‌ای از حقوق و وظایف که رابطه بین افراد و
اجتماع را هدایت می‌کنند، تعیین کرده‌اند و بریان بری^۱ از آن به عنوان معیارهایی برای ارزیابی نهادهای
اجتماعی، نهادهایی که وضعیت‌هایی را تعریف می‌کنند که در آنها مسائل تقسیم منصفانه مطرح
می‌شود، یاد می‌کند (بری، ۱۹۸۹: ۱۴۸).

شهید مطهری عدالت را به چهار معنا به کار برده است که عبارت‌اند از: توازن، مساوات، رعایت
حقوق و افاضه کمالات وجودی به ممکنات از جانب باری تعالی. در اسلام بیشترین آیات مربوط به
عدل درباره عدل جمعی و گروهی است (مطهری، ۱۳۸۸: ۶۱).

در رویکرد اسلامی به اجتماع و جامعه «عدل و عدالت» جایگاه رفیعی دارد. تفکر، رفتار و
منش عادلانه داشتن ارزشی بنیادین و الهی محسوب می‌شود. داشتن رفتار عادلانه صفتی برجسته و
اعتبار اجتماعی حاکمان محسوب می‌شود؛ به طوری که عادل بودن که جزو صفت الهی است، برای
همه مراحل حکومت اسلامی و رهبران دینی و سیاسی و قوانین جامعه اسلامی سرایت و نفوذ دارد.
اولین منظور و هدف بعثت انبیای الهی عدالت بوده است در قرآن کریم آمده است: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا
رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»: «ما رسولان خود را با

۱. Brian Barry

نشانه‌های روشن فرستادیم و به ایشان کتاب و وسیله سنجش نازل کردیم تا در زمین و بین مردم به عدل و داد قیام کنند» (حدید/۲۵). همچنین در تفسیر نمونه ذیل آیه ۹۰ سوره نحل آمده است: «عدل به معنای واقعی کلمه آن است که هر چیزی در جای خود باشد؛ یعنی دادن حق هر صاحب حق» (آیت الله مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۸۷: ۳۶۶). برجسته‌ترین تعریف از عدالت در اسلام، تعریف امام علی علیه السلام از عدالت است که می‌فرماید: «الْعَدْلُ تَضْيِيعُ الْأُمُورِ مَوَاضِعِهَا» (نهج البلاغه، حکمت ۴۳۷).

بنابراین از نظر دلالت مفهومی، عدالت به معنی «اعطاء کل ذی حق حقه و وضع کل شیء فی موضعه» دو ملاک و معیار تعریف و مفهوم و مصداق عدالت است و همچنین استحقاق و قابلیت لیاقت به عنوان خاستگاه حق در نظر گرفته می‌شود که در دو محور تفسیر می‌شود: محور اول، مساوات، برابری، انصاف و بی‌طرفی و محور دوم تعادل و توازن و اعتدال و تناسب، حد وسط و مخالف با ظلم (عظیمی، ۱۴۰۲: ۷).

رالز در بحث عدالت به مثابه انصاف معتقد است: جامعه به مثابه یک مشارکت مخاطره‌آمیز برای منافع متقابل تفسیر می‌شود و ساختار بنیادین، نظامی عمومی از قواعد است که طرح کلی فعالیت‌هایی را تعریف و تعیین می‌کند که انسان را به همکاری با یکدیگر به منظور تولید منافع بیشتر و می‌دارد و به هریک از افراد سهم معینی از عواید این همکاری را اختصاص می‌دهد. آنچه افراد انجام می‌دهند به این بستگی دارد که قواعد کلی بگویند او مستحق چه کاری است و استحقاق و لیاقت افراد نیز به آنچه می‌کنند، بستگی دارد. وی از دو نوع عدالت نام می‌برد: «عدالت توزیعی و عدالت رویه‌ای». در عدالت توزیعی، توزیع عواید حاصل از همکاری اجتماعی با ارج نهادن به خواسته‌هایی تأمین می‌شود که به وسیله آنچه شخص در پرتو آن انتظارات مشروع انجام آن را تعهد می‌کند، تعیین می‌شود (رالز، ۱۳۹۰: ۱۴۲). همچنین در رابطه با عدالت رویه‌ای معتقد است که عدالت در جامعه زمانی محقق می‌شود که رویه‌های عادلانه به درستی و در عمل اجرا شوند؛ یعنی «عدالت رویه‌ای ناب» برقرار باشد (رالز، ۱۳۹۰: ۱۵۱).

درک مفهومی عدالت و احساس عدالت ناظر بر این قضیه است که از منظر فرد، چه وضعیتی دارای ویژگی عدالت است که این امر تا حدود زیادی به نظام ارزشی - فرایند ارزش‌گذاری - افراد،



نگرش‌ها و باورهای رایج وابسته است. بنابراین احساس عدالت به وضعیت‌های عینی که انسان در آن قرار دارد باز می‌گردد. میزان حقوق دریافتی، پاداش، توزیع منابع کمیاب و برخورد قانون با افراد هرکدام می‌تواند میزانی از احساس عدالت را در افراد به‌وجود بیاورد که دارای پیامدهای اجتماعی مهمی برای افراد و جامعه است. «در مورد پیامدهای درک مفهومی عدالت می‌توان گفت هرچه درک مردم جامعه از مفهوم عدالت به هم نزدیک‌تر باشد، موقعیت پیدایش وفاق اجتماعی^۱ در آن جامعه بیشتر فراهم است و عدم توافق در درک مفهوم عدالت می‌تواند عامل تعارضات فکری و اجتماعی، نابسامانی و ستیز اجتماعی در جامعه باشد» (میرسندسی، ۱۳۷۹: ۶۲).

- مفهوم حکمرانی

سازمان ملل متحد «حکمرانی را مجموعه‌ای از اقدامات فردی و نهادی، عمومی و خصوصی برای برنامه‌ریزی و اداره مشترک امور می‌داند. حکمرانی فرایند مستمری از ایجاد تفاهم میان منافع متفاوت و متضاد است که در قالب اقدامات مشارکتی و سازگاری حرکت می‌کند و شامل نهادهای رسمی و ترتیبات غیررسمی و سرمایه اجتماعی شهروندان است» (سازمان ملل متحد، ۱۹۹۶^۲، به نقل از یزدانی، ۱۳۹۱). مطابق این تعریف، می‌توان گفت حکمرانی ناظر بر شیوه اعمال حاکمیت، انجام وظایف مأموریت رسمی قوانین و تصمیم‌گیرهای مجموعه حاکمیت شامل دولت، نهادهای اجتماعی، ساختارهای رسمی، قوای مختلف قانون‌گذاران و... است؛ بنابراین می‌توان گفت حکمرانی دارای دو وجه کلی است:

الف) وجه رسمی شامل ارکان حاکمیت، قدرت سیاسی و دولت مستقر؛

ب) وجه غیررسمی شامل نهادهای مدنی و مشارکت عمومی (برگرفته از کریمی کلیمانی، ۱۴۰۰: ۵-۴).

ایده حکمرانی خوب را در اواخر دهه ۱۹۸۰ بانک جهانی در حوزه اقتصاد مطرح کرد و در ادامه به‌طور فراگیری به «چارچوب تحلیل» در علوم اجتماعی و حوزه‌های مرتبط با آن یعنی «دستور کار

۱. Social Consensus

۲. United Nations



سیاستی» در جوامع و نهادهای جهانی تبدیل شد. با ورود این اصطلاح به حوزه‌های مختلف توسعه، به تدریج به‌عنوان الگوی متعالی اداره و راهبری جوامع و کالبد تجلی حاکمیت قانون و حقوق بشر و اقتصاد کارآمد مورد تأکید قرار گرفت. به عبارتی حکمرانی مطلوب به تجلی‌گاه مجموعه اصول هنجاری و ارکان نهادی یک نظام و جامعه مطلوب مبدل شد. حکمرانی خوب ناظر بر سیاست مبتنی بر مشارکت، دولت دموکراتیک، کارآمدی حکومت و مدیریت با کیفیت در جامعه است (ساعی و روشن، ۱۳۸۹: ۱۶۹).

ارزیابی اندیشمندان مختلف و همچنین الگوهای رقیب حکمرانی، انتظارات را با عنوان حکمرانی خوب در ادبیات اجتماعی مرسوم کرده است؛ بنابراین نظریه الگوی حکمرانی خوب ایده‌ای است که به دنبال ناکارآمدی سازکارهای پیشین توسعه مطرح شد و از جمله ابزارهایی است که برای بهبود بخشیدن به عملکرد سیستم‌های مدیریتی و سیاسی در نظر گرفته شده است (مرشدی‌زاده، ۱۳۹۶: ۱۲۶-۱۲۵). به اعتقاد هوپ^۱، حکمرانی خوب یکی از پیش‌نیازهای اساسی دستیابی به توسعه پایدار است. بدون حکمرانی خوب تلاش برای توسعه یک هدف واهی به‌شمار می‌رود (هوپ، ۲۰۰۹: ۷۳۰-۷۲۸).

حکمرانی مطلوب^۲ نوعی از مدیریت جمعی زندگی عمومی را ارائه می‌دهد که توسط کارگران و شهروندان و رابطه جدید میان حکومت و جامعه مدنی پیاده‌سازی می‌شود. در ماهیت جدید ارتباط این دو رکن، نهاد و بنیاد حکمرانی مطلوب، با اقتدار سیاسی حکومت، در خدمت به‌روزی و منابع عمومی نسل حاضر و آینده قرار می‌گیرد و جامعه مدنی به‌عنوان ناظر، ارباب و منبع حقیقی مرجعیت، قدرت حکومت را کنترل، تعدیل و متوازن می‌کند و در راستای توسعه و پیشرفت همه‌جانبه جامعه مورد جهت‌دهی و هدایت قرار می‌دهد (کميجانی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۲۹).

در فرهنگ آکسفورد، «حکمرانی» فعالیت یا روش حکم راندن، اعمال کنترل یا قدرت بر فعالیت زیردستان و نظامی از قوانین و مقررات معنا شده است.

۱. Hope

۲. Good Governance



۲-۲. پیشینه پژوهش

جدول ۱: پیشینه پژوهش

نویسنده (گان)- روش استفاده شده	اهداف یا سؤال‌های اصلی	مهم‌ترین یافته‌ها
حسین تدین (۱۴۰۱)، به روش کیفی و تحلیل محتوا	«علل و موانع تحقق کامل عدالت اجتماعی در ایران از نگاه مقام معظم رهبری»	نگارنده عدالت اجتماعی را با بهره‌برداری از روش تحلیل مضمون بیانات مقام معظم رهبری از سال ۱۳۶۸ تا ۱۴۰۱ بررسی و تحلیل کرده و به چهار مضمون سازنده در رابطه با موانع تحقق عدالت اجتماعی در ایران پرداخته و به چهار دسته عوامل اشاره کرده است: ۱. علل و موانع داخلی و فرهنگی؛ ۲. علل و موانع سیاسی؛ ۳. علل و موانع اقتصادی؛ ۴. علل و موانع بیرونی و نقش دشمن خارجی و استعمار و استکبار جهانی در عدم اجرای عدالت اجتماعی
بدلی وند و همکاران ^۱ (۱۴۰۰) ، با روش پیمایشی	«بررسی جایگاه عملکرد سازمان تأمین اجتماعی در تحقق عدالت اجتماعی»	تحقیق با هدف ارزیابی خدمات عدالت‌محور سازمان تأمین اجتماعی شهر تهران انجام شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که ۵۷ درصد پاسخگویان عملکرد سازمان تأمین اجتماعی را در انجام تعهدات خود «متوسط و بالا تر» ارزیابی کرده‌اند. میزان تأثیر نقش و جایگاه تأمین اجتماعی (ارائه خدمات بیمه‌ای و درمانی) در هریک از شاخص‌های عدالت اجتماعی



مهم‌ترین یافته‌ها	اهداف یا سؤال‌های اصلی	نویسنده (گان)- روش استفاده‌شده
<p>به ترتیب عبارت‌اند از: نظام حمایتی و بازتوزیعی (۰/۷۷)، شرایط برابر برای دسترسی به فرصت‌ها و منابع (۰/۷۱) و استحقاق و شایستگی (۰/۶۴) به این مفهوم که سازمان در نظام حمایتی و بازتوزیع موفق‌تر عمل کرده و به عدالت اجتماعی نزدیک‌تر است.</p>		
<p>تحقیق با هدف سنجش میزان احساس عدالت اجتماعی (متغیر وابسته تحقیق)، از دو متغیر «عدالت توزیعی و عدالت رویه‌ای» بهره برده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد: میزان احساس عدالت بین ۴۰ درصد از پاسخگویان در حد کم و خیلی کم است و در مقابل بین ۱۱ درصد در سطح بالا و درنهایت بین ۴۹ درصد از پاسخگویان احساس عدالت در سطح متوسط (بینابین) است. نتایج بررسی عوامل تبیین‌کننده رفاه طبقه مدل رگرسیون نشان می‌دهد که متغیرهای «اعتماد به کارایی مسئولین (با ضریب ۰/۵۷)، دین‌داری (با ضریب ۰/۲۰)، مقایسه خود با دیگران (با ضریب ۰/۱۶)، احساس امنیت (با ضریب ۰/۱۰)» دارای تأثیر فزاینده بر میزان احساس عدالت بین افراد هستند.</p>	<p>«بررسی احساس عدالت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه موردی شهر تهران)»</p>	<p>هزار جریبی و همکاران (۱۳۹۰)، با روش پیمایشی</p>
<p>وی باور دارد با توجه به قواعد توزیع درآمد و ثروت در اسلام، معیارهای عدالت باید در سه سطح جداگانه: الف) مبدأ: عدالت در امکانات و وضعیت‌های اولیه؛ ب) فرایند: عدالت در رابطه با فرایندهای تولید و توزیع؛ ج) نتیجه: عدالت در وضعیت نهایی و نتیجه عملکرد نظام</p>	<p>«بررسی معیارهای عدالت اقتصادی از دید اسلام- شهید صدر</p>	<p>حسینی (۱۳۸۲)</p>



مهم‌ترین یافته‌ها	اهداف یا سؤال‌های اصلی	نویسنده (گان)- روش استفاده‌شده
<p>اقتصادی معرف شود. شهید صدر فقط دو معیار توازن عمومی و تأمین اجتماعی را در جایگاه ارکان اقتصادی معرفی می‌کند.</p>		
<p>وی چهار قاعده را که قابل تطبیق با چارچوب شریعت اسلام هستند، با ذکر دلیل و برهان به شرح زیر بیان می‌کند: ۱. تحقق برخورداری از منابع و ثروت‌های عمومی؛ ۲. سهم‌بری براساس میزان مشارکت در تولید (عدل طبیعی)؛ ۳. قرار گرفتن اموال در موضع قوام؛ ۴. قوام بهره‌برداری از اموال و منابع عمومی.</p>	<p>قواعد عدالت و اقتصاد در چارچوب نظریه اقتصاد اسلامی»</p>	<p>عیوضلو (۱۳۷۹)، به روش کتابخانه‌ای و مروری</p>
<p>محقق براساس بند ۴ اصل دوم قانون اساسی درباره اهمیت برقراری قسط و عدل در جامعه، به بررسی مهم‌ترین اقدامات نظام در دو دهه برای برقراری فرصت‌های برابر آموزشی، اشتغال، تسهیلات رفاهی، بهداشت، تغذیه، مسکن و اوقات فراغت پرداخته است. همچنین براساس بند ۶ و بندهای ۹، ۱۲ و ۱۳ اصل سوم قانون اساسی و با تمرکز بر ۶ نشانگر عدالت اجتماعی شامل فرصت‌های برابر آموزشی، فرصت‌های برابر اشتغال، برخورداری از بهداشت و درمان، تغذیه مناسب، مسکن مناسب و اوقات فراغت در ایجاد جامعه باثبات و امنیت اجتماعی و سیاسی، در نهایت به عدالت اجتماعی توجه کرده است. نتایج بررسی نشان می‌دهد:</p>	<p>«روند تحولات نشانگرهای عدالت اجتماعی در دو دهه اخیر در ایران»</p>	<p>فرهاد دژپسند (۱۳۷۹)، به روش کتابخانه‌ای و اسنادی و تحلیل آماری</p>

مهم‌ترین یافته‌ها	اهداف یا سؤال‌های اصلی	نویسنده (گان) - روش استفاده‌شده
<p>- در طول دو دهه ۶۰ و ۷۰ جهت‌گیری عدالت اجتماعی در تخصیص اعتبار وجود داشته و وضعیت متغیرهای مرتبط با آموزش، بهداشت و امنیت از روند بسیار مطلوبی برخوردار بوده است. ... فقط سهم هزینه دولت در فصل تأمین اجتماعی و بهزیستی در سال ۱۳۷۷ برابر ۹/۴ درصد کل بودجه بوده است.</p> <p>- سهم یارانه‌های پرداختی دولت به صورت ترکیبی (مصرف، تولید و خدمات) در سال ۱۳۷۷ با روند افزایشی به ۸/۹ درصد کل بودجه رسیده است.</p> <p>- وضعیت نشانگرهای تسهیلات زندگی (آب، گاز، ارتباطات، برق و...) در سال ۱۳۷۷ نسبت به سال ۱۳۵۷ با میانگین رشد ۶۰ درصدی مواجه بوده است.</p>		
<p>محقق ضمن بحث نظری درباره اقتصاد اسلامی، سیاست‌های مصرف انفال را در سه اولویت زیر بررسی و تحلیل کرده است:</p> <p>۱. رفع فقر و نیازهای ضروری افراد نیازمند؛</p> <p>۲. فراهم کردن فرصت‌های برابر در دسترسی به امکانات اجتماعی؛</p> <p>۳. کاهش اختلاف طبقاتی.</p>	<p>«انفال و درآمدهای آن؛ نخستین حوزه دارای اولویت، برپایی عدالت و توازن اجتماعی»</p>	<p>مصباحی مقدم و همکاران (۱۳۹۰)، به روش مروری</p>
<p>به بررسی رابطه عدالت و دموکراسی از منظر قانون اساسی پرداخته است. وی معتقد است عدالت اجتماعی ضمانت اجرای برابری سیاسی است که در برابری شرایط و عدالت توزیعی متجلی می‌شود و نتیجه‌گیری می‌کند اصول چندگانه</p>	<p>«دموکراسی و عدالت با تأکید بر قانون اساسی جمهوری</p>	<p>محمد شفیع فر (۱۳۸۴)، به روش کتابخانه‌ای و تحلیل متن</p>



مهم‌ترین یافته‌ها	اهداف یا سؤال‌های اصلی	نویسنده (گان) - روش استفاده‌شده
<p>قانون اساسی از جمله اصل ۳ و ۲۱ بر الزام دولت و تأکید بر موارد زیر در راستای عدالت اجتماعی گام برداشته است: ۱. عدالت اقتصادی و اقتصاد عادلانه؛ ۲. تأمین نیازهای اساسی و ضروری؛ ۳. ریشه‌کنی فقر و محرومیت؛ ۴. تأمین امکانات مساوی و متناسب.</p> <p>همچنین مطابق اصل ۲۹، مهم‌ترین راهبرد عدالت اجتماعی برخورداری از قانون تأمین اجتماعی فراگیر از طریق حمایت‌های دولتی و منابع عمومی و انفال و نظام بیمه اجتماعی است که از طریق ۱. ایجاد زیرساخت‌های اقتصادی و اداری؛ ۲. رفع تبعیض و توزیع عادلانه و برابر امکانات عمومی؛ ۳. بازتوزیع ثروت‌های ملی؛ ۴. انفال و دارایی‌های ملی حاصل می‌شود.</p> <p>علاوه بر این، اصول اقتصادی قانون اساسی، از اصل ۴۳ تا ۵۵، تماماً در راستای تحقق عدالت اجتماعی است و از طریق گسترش پوشش بیمه همگانی، نظام تأمین اجتماعی، اجرای کامل قانون کار، اشتغال و بیکاری و حقوق و دستمزدها و همچنین انجام وظایف سایر نهادهای حمایتی و عمومی، امکان عدالت اجتماعی فراگیر و تقویت احساس عدالت در جامعه مؤثر است.</p>	<p>اسلامی»</p>	
<p>تحقیق به‌منظور تبیین تجربیات سازمان تأمین اجتماعی در دسترسی عادلانه به بخش خدمات سازمان، ضمن بررسی وضعیت زیرساخت‌های ارائه خدمات درمانی، به گروه‌های</p>	<p>«مستندسازی تجربیات سازمان تأمین اجتماعی</p>	<p>سالاری و عزیزی (۱۴۰۰)، تحقیق به روش اسنادی و</p>



مهم‌ترین یافته‌ها	اهداف یا سؤال‌های اصلی	نویسنده (گان)- روش استفاده‌شده
<p>هدف پرداخته است. نتایج بررسی نشان می‌دهد سازمان با هدف اجرای عدالت درمانی و دسترسی فراگیر، با تدوین نظام سطح‌بندی خدمات درمانی و حمایت مالی از بیمه‌شدگان و مستمری‌بگیران سازمان تأمین اجتماعی با هدف توزیع عادلانه منابع و عدالت در بهره‌مندی از خدمات درمانی و جلب رضایت و حفظ کرامت بیمه‌شدگان و مستمری‌بگیران با تسهیل دسترسی آنها، به‌ویژه گروه‌های آسیب‌پذیر، به خدمات مورد نیاز و حفاظت مالی بهتر و جلوگیری از افتادن بیمه‌شدگان و مستمری‌بگیران به تله فقر ناشی از بیماری و بهره‌مندی از ظرفیت درمانی کشور و مدیریت فشارهای سیاسی، به توسعه روزافزون مراکز درمانی اقدام کرده است.</p>	<p>در ارتقای عدالت در دسترسی به خدمات درمانی»</p>	<p>ارزشیابی عملکرد</p>
<p>محقق معتقد است تصویب کنوانسیون سازمان ملل متحد درباره حقوق افراد دارای معلولیت و ناتوان، مسئله تأمین اجتماعی را امری جدی‌تر کرده است. تأمین منابع و امکانات اجتماعی و فردی، بنیان یک عدالت اجتماعی در سازمان خدماتی است. نخستین گام، شناسایی نیازهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و نیاز روانی است. مهم‌ترین اقدام‌های دولت از حیث سیاست‌گذاری در این امر عبارت‌اند از: الف) تضمین دسترسی برابر افراد به خدمات آب پاک و اطمینان از دسترسی به خدمات، دستگاه‌ها و سایر کمک‌های مناسب و مقرون به‌صرفه برای نیازهای اساسی؛ ب) تضمین دسترسی افراد مسن به برنامه‌های حمایت</p>	<p>«حقوق سالمندان از تأمین اجتماعی و عدالت اقتصادی»</p>	<p>گاترمن (۲۰۲۳)، به روش مروری و اسنادی</p>



مهم‌ترین یافته‌ها	اهداف یا سؤال‌های اصلی	نویسنده (گان)- روش استفاده‌شده
<p>اجتماعی و برنامه‌های کاهش فقر و مشکلات معیشتی؛ (ج) اطمینان از دسترسی افراد نیازمند و خانواده‌های آنها که در شرایط فقر زندگی می‌کنند به کمک‌های دولتی با هزینه‌های کافی، مشاوره، کمک‌های مالی و مراقبت‌های اجتماعی؛ (د) اطمینان از دسترسی افراد به برنامه‌های مسکن عمومی؛ (ه) تضمین دسترسی برابر افراد به مزایا و برنامه‌های بازنشستگی.</p>		
<p>تحقیق به بررسی نقش اساسی سیستم‌های حمایت اجتماعی و تأمین اجتماعی در کاهش و پیشگیری از فقر، نابرابری و طرد اجتماعی می‌پردازد و به نقش حیاتی بازتوزیع از طریق تأمین اجتماعی در مبارزه با فقر و جلوگیری از آن به‌ویژه در طول جهان اشاره می‌کند که از شدت گرفتن شکاف طبقاتی و آسیب‌پذیری طبقه متوسط و پایین کاسته است. این نهاد با ارائه هم‌زمان خدمات اجتماعی لازم، مراقبت‌های بهداشتی، اقدامات فعال بازار کار، توسعه مهارت‌ها و سایر سیاست‌ها، یک رویکرد بسیار مؤثر برای کاهش و پیشگیری از فقر اجتماعی ارائه می‌دهد.</p>	<p>«حمایت اجتماعی همگانی برای کرامت انسانی، عدالت اجتماعی و توسعه پایدار»</p>	<p>سازمان بین‌المللی کار (۲۰۱۹)</p>

وجه نوآوری مقاله حاضر در مقایسه با مطالعات پیشین

برخلاف تحقیقات قبلی که به موضوع عدالت در ارتباط با حوزه‌های کارکردی مانند تأمین اجتماعی، بهداشت یا خدمات اجتماعی و اقتصاد و گروه‌های هدف خاص پرداختند، مقاله حاضر با رویکرد نظری به ارتباط عدالت با سطح کلان‌تر آن، یعنی حکمرانی متعالی، و مقایسه آن در تجربه

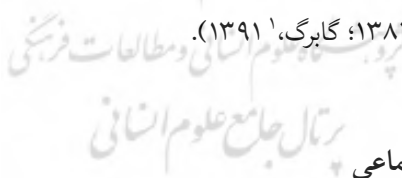




انقلاب اسلامی و رویکرد غربی می‌پردازد و ضمن استخراج وجوه اشتراک فرایند اجرای عدالت در قالب روندها و رویه‌های قانونی و ساختارهای نهادی، وجوه تمایز و اختصاصی گفتمان رهبری انقلاب اسلامی را به‌عنوان یک دستاورد نظری و مورد نیاز در تحقیقات آینده بازگو می‌کند. جنبه دیگر نوآوری تحقیق حاضر در مقایسه با تحقیقات پیشین با موضوع عدالت و حکمرانی، نوآوری روش‌شناسی در استفاده از روش پس‌نگری است که فرایند ارزیابی اقدامات حکمرانی عدالت‌پایه را در تحقق چشم‌انداز مطلوب تبیین می‌کند و پاسخی متقن و مستند (مبتنی بر گفتمان غالب رهبران، قوانین و سیاست‌های عدالت‌محور و ایجاد نهادها مردمی و حاکمیتی عدالت‌گستر) برای گروه‌های سیاسی مدعی است که تجربه انقلاب اسلامی در این زمینه را یا انکار یا غیرمنصفانه نقد می‌کنند.

۳. مبانی و چارچوب نظری

عدالت و حکمرانی در اندیشه اصحاب فکر و نحله‌های فلسفی انعکاس فراوانی دارد و از آن برداشت‌های متفاوتی شده است. این برداشت‌ها معطوف بهره‌مندی از مزایا و منابع اجتماعی و طبیعی قابل دسترس برای آحاد جامعه است که می‌توان در قالب گزاره‌هایی مثل «تعلق یکسان منابع به هرکس»، «تخصیص متناسب با استحقاق هرکس»، «اختصاص منابع براساس نیازهای هرکس»، «برخورداری هرکس متناسب با رده و طبقه‌اش» و «تخصیص منابع براساس قانون به هرکس» بیان کرد (شفیعی فر، ۱۳۸۴؛ موحد ۱۳۸۲؛ گابرج، ۱۳۹۱).



- رویکرد غربی به عدالت اجتماعی

مبحث عدالت یکی از مهم‌ترین مباحث در فلسفه و اندیشه سیاسی غرب است و همه فیلسوفان غرب به‌گونه‌ای به موضوع عدالت پرداخته‌اند. سیر تحول مفهوم عدالت در غرب نشان می‌دهد که عدالت ابتدا بیشتر به‌صورت موصوف فرد مورد بحث بوده، اما متأخرین آن را به‌عنوان موصوف جامعه و یک موضوع اجتماعی پیگیری کرده‌اند. بنابراین از نظر حقوقی، عدالت در تصمیم‌گیری‌های عادلانه





جست‌وجو می‌شود؛ اما از نظر فلسفه سیاسی، مسئله عادلانه بودن قوانین پیش می‌آید؛ بنابراین از دیدگاه فلسفه سیاسی، عدالت صفت نهادهای اجتماعی است نه صفت افراد و اعمال آنها. منظور از عادلانه بودن هر نهاد اجتماعی این است که حقوق و مسئولیت و قدرت و... را عادلانه توزیع کند (شمسینی غیاثوند، ۱۳۸۲: ۲۱۶).

در اندیشه غرب عدالت اجتماعی پیوستگی و ثیقی با نظریه‌های میثاق اجتماعی دارد که بر تأمین حقوق طبیعی مردم، حق زندگی، حق آزادی، حق انقلاب، حق مالکیت خصوصی، حق حاکمیت و عدالت تأکید می‌شود و برخی فیلسوفان از جمله جان لاک، سیسرون، اسپینوزا... و جامعه‌شناسان مشهور بر آن پافشاری کردند. ذیل همین دیدگاه، اپیکوروس به میثاق اجتماعی کلی اعتقاد داشت که همه نمودهای اجتماعی را دربر می‌گیرد. عدالت طبیعی توافق است درباره آنچه شایسته است و مردم را از آزار کردن و آزار دیدن باز می‌دارد. مردمی که از توافق برای حفظ منافع متقابل خود روی برگردان یا ناتوان باشند، از عدل و ظلم برکنارند. عدالت وجود مستقل ندارد و معلول میثاق‌های متقابل است. در مواردی که تعهد متقابل برای ارتکاب یا تحمل آزار متقابل در میان باشد، عدالت برقرار می‌شود (بارنز و بکر، ۱۳۷۰: ۲۴۶-۲۴۵).

هردر، از طرفداران نظریه تکامل، عدالت را ذیل قضایای پنج‌گانه خود طرح می‌کند که خلاصه این قضایا عبارت است از:

۱. غایت طبع انسانی، انسانیت است.
۲. همه نیروهای مخرب طبیعت سرانجام نه تنها تسلیم نیروهای سازنده می‌شوند بلکه به خدمت کامل کردن کل در می‌آیند.
۳. سعادت انسان صرفاً و اساساً زاده عقل و عدالت است.
۴. به اقتضای ذهن بشر عقل و عدالت در جریان زمان کمال می‌یابد و انسانیت را دامنه‌دارتر می‌سازد.

۵. نیکی مقرون به خرد غایت انسانیت است؛ بنابراین هیچ چیز از همکاری در این راه والاتر، پاک‌تر و سعادت‌بخش‌تر نیست (بارنز و بکر، ۱۳۷۱: ۹۸).

بحث اساسی درباره مفهوم عدالت به‌عنوان کانون فلسفه اخلاق با سقراط آغاز شد؛ با این حال





هدف اصلی سقراط بر ملا کردن نارسایی برداشت‌های رایج از عدالت بود. مگی در کتاب «فلاسفه بزرگ»^۱ معتقد است: سقراط در طرحی که برای زندگی برتر ارائه می‌دهد، قانون و عدالت را از ارکان آن می‌داند. مراد وی از قانون، قانون انسانی است، آن‌گونه که در هر ناحیه و در هر دولتی حکم فرماست و عدالت عبارت است از رعایت دقیق قانون (مگی، ۱۴۰۱: ۸۰).

نظام فکری افلاطون (۴۲۷-۳۴۷ ق.م) به نوعی کل‌نگر و جامع‌گرایانه است. بر همین قاعده، مانند بسیاری از مفاهیم، عدل را بیشتر از جنبه اجتماعی می‌نگرد و به نوعی معتقد به عدالت جمعی است. به اعتقاد وی، عدالت اجتماعی عبارت است از سپردن به هرکس آنچه در محدوده صلاحیت و قابلیت اوست. عدالت رشته‌ای است که افراد جامعه را به هم پیوند می‌دهد یا وحدت افراد به منظور هماهنگی است (کلوسکو، ۱۹۹۵: ۱۰۹). علاوه بر این، در فلسفه افلاطون ارزش عدالت به‌عنوان قرارداد تأمین منافع متقابل نیز یافت می‌شود (بشیریه، ۱۳۹۴: ۳۰).

ارسطو از جمله فیلسوفان اعتدالی و میانه‌گراست که عدالت را مطابق همان تعبیر میانه روی تعبیر می‌کند؛ بنابراین ارسطو عدالت را نوعی تناسب می‌داند (مگی، ۱۴۰۱: ۲۹۸). او می‌گوید حکومت ایدئال آن است که هدف و غایت حکمرانانش آسایش و خرسندی مردمان باشد. شکل حکومت چندان مهم نیست، آنچه اهمیت دارد، روحیه و ثبات سران حکومت است (توماس، ۱۹۶۴: ۶۳)، که در پی اجرای قانون و عدالت و آسایش مردمان هستند.

نگاه کانت به عدالت غایت‌گرایانه است. در این مفهوم عدالت محتوای توافقی است که افراد خردمند می‌کنند که توانایی‌های گوناگون آنها را در توافق‌شان منعکس نمی‌سازد. براساس این دیدگاه، انگیزه عدالت اساساً انگیزه‌ای اخلاقی است نه اقتصادی و نفع‌طلبانه (بشیریه، ۱۳۹۴: ۳۱). به نظر کانت، اصولاً اعمال وقتی ارزش اخلاقی دارند که از روی وظیفه‌شناسی صرف انجام شوند. عمل عادلانه نیز طبعاً چنین است.

بعد از کانت فیلسوفانی چون هگل و مارکس تلاش کردند با نگاه تاریخی به عدالت پردازند. هگل معتقد بود سرنوشت انسان ذاتی نیست، بلکه تاریخی و فرآورده جامعه‌ای است که در آن زندگی





می‌کند. در جامعه اندام‌وار امیالی ترویج و تشویق می‌شود که با اصول اخلاق و عدالت و تأمین خیر و صلاح عمومی منطبق باشند. در این نظام ارگانیک وقتی هرکس برحسب جایگاه خود تکالیف خود را انجام دهد و حقوق خویش را پاس بدارد، عدالت برقرار می‌شود. مارکس گرچه مستقیم به مفهوم عدالت نپرداخته است، اما ذیل مباحث مربوط به نقد نظام سرمایه‌داری با اصطلاحاتی مانند ارزش‌افزوده، استثمار کارگران، نظام طبقاتی و تضادهای نظام سرمایه‌داری به‌نوعی به نابرابری و بی‌عدالتی درون نظم سرمایه‌داری حمله و آن را نظام ناعادلانه توصیف می‌کند. بنابراین مارکسیست‌ها برخلاف نگرش لیبرالی بر برابری در مقابل آزادی تأکید می‌کنند.

در ادامه این روند یعنی در طول قرن‌های ۱۹ و ۲۰ با توسعه و تشکیل نظام‌های اجتماعی-سیاسی لیبرالی و حکومت‌های مبتنی بر قانون در غرب، عدالت به‌عنوان مفهوم کلیدی در کانون روابط اجتماعی و سیاسی قرار گرفت. علاوه بر شکل‌گیری نظام‌های حقوقی و قضایی برای برقراری عدالت با تشکیل دولت رفاه و تأکید بر برخورداری آحاد افراد جامعه از آزادی و برابری از مواهب اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، نهادهای تأمین رفاه اجتماعی به همین منظور و در راستای تعدیل توزیع کالا و خدمات، به نهادینه‌سازی رویه‌ها و تعاملات مبتنی بر عدالت در دل نظام سرمایه‌داری تمرکز کردند. بنابراین نظریه لیبرالی عدالت در منظر غرب به دو دسته کلی تقسیم می‌شود:

۱. نظریه‌های آزادی‌گرا که قائل به دخالت حداقلی دولت برای استقرار عدالت هستند.

۲. نظریه‌های برابری‌گرا که قائل به نقش دولت در برقراری عدالت هستند.

جان رالز و عدالت توزیعی

جان رالز به‌عنوان احیاگر نظریه عدالت در فلسفه سیاسی غرب، در سنت کانتی عمل می‌کند و معتقد است عدالت همان رعایت انصاف است. به‌طور خلاصه انصاف به روش اخلاقی رسیدن به اصول عدالت مربوط می‌شود و عدالت نیز به نتایج تصمیم‌گیری منصفانه مربوط است. رالز در نظریه عدالت به‌مثابه انصاف، وضعیتی را ترسیم می‌کند که در آن قدرت و ثروت به‌صورت متناسب بین اعضای جامعه توزیع شده است. در چنین جامعه‌ای تک‌تک اعضای جامعه باید به‌طور منصفانه از دستاوردهای تولیدی بهره‌مند شوند مگر آنکه بهره‌مندی منصفانه یعنی عدول از اصل قدیم عدالت اولیه



برای همه افراد ممکن باشد و دیگر اینکه برای تضمین و ازدیاد بهره‌وری‌های آتی باشد. بنابراین رالز عدالت را این‌گونه تعریف می‌کند: «عدالت عبارت است از حذف امتیازات بی‌وجه و ایجاد تعادل واقعی میان خواسته‌های متعارض انسان‌ها در ساختار یک نهاد و اجتماع» (نصری، ۱۳۸۲: ۱۰).

رالز بر این باور بود که دو اصل بنیادین وجود دارد که نحوه تخصیص حقوق و تکالیف و توزیع مزایای اجتماعی و اقتصادی را تعیین و سازمان‌دهی می‌کنند (رالز، ۱۳۹۰: ۱۲۱):

اصل نخست، اصل آزادی و برابری: هر شخص قرار است برابری نسبت به گسترده‌ترین آزادی اساسی سازگار با آزادی مشابه دیگران داشته باشد.

اصل دوم: اصل برابری منصفانه فرصت‌ها: قرار است نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی به‌گونه‌ای ساماندهی شوند که:

الف) به نحو معقول انتظارات روز به سود همگان باشند (اصل تفاوت).

ب) وابسته به مشاغل و منصبی باشند که دسترسی به آنها برای همگان امکان‌پذیر است (اصل برابری منصفانه فرصت‌ها).

اصل دوم در نخستین تخمین، برای توزیع درآمد و ثروت و طراحی سازمان‌هایی کاربرد دارد که در سلسله اختیارات خود (مبنی بر واگذاری مناصب و مسئولیت‌ها) تفاوت‌های افراد را مد نظر دارند. نیازی نیست توزیع ثروت و درآمد حتماً برابر باشد بلکه تنها باید به سود همگان باشد و هم‌زمان دسترسی همگان به مناصب دولتی ممکن باشد (رالز، ۱۳۹۰: ۱۴۱).
دو الزام مهم نظریه عدالت رالز عبارت است از: توزیع ثروت و درآمد و سلسله‌مراتب اقتدار باید با آزادی‌های شهروندی برابر و با برابری فرصت‌ها سازگار باشد.

در راستای این دو اصل، رالز یک برداشت کلی از عدالت دارد که آن را این‌گونه نوشته است: همه ارزش‌های اجتماعی - آزادی و برابری فرصت‌ها، درآمد و ثروت و بایدهای عزت نفس باید به نحوی برابر توزیع شوند مگر آنکه توزیع نابرابر هر یک یا همه این ارزش‌ها به سود همگان باشد.

رالز معتقد است اگر ساختار بنیادین جامعه عادلانه باشد یا تا آن اندازه عادلانه باشد که از اوضاع معقولانه انتظار می‌رود، هرکس وظیفه طبیعی دارد که نقش خود را در طرح موجود ایفا کند (رالز، ۱۳۹۰: ۱۸۷). رالز بیان می‌کند: «من بحث خود را به آن معنایی از عدالت که بر نهادهای اجتماعی



اطلاق می‌شود، محدود می‌کنم»؛ یعنی رالز عدالت اجتماعی را یکی از فضایل متعدد نهادهای اجتماعی می‌داند (ملکیان، ۱۳۷۶: ۸۰).

رالز یک توالی سه مرحله‌ای برای استقرار عدالت بیان می‌کند:

گام اول: اعمال اصل آزادی برابر در قانون اساسی؛

گام دوم: منصفانه بودن قوانین وضع شده بعدی؛

گام سوم: اجرای قوانین- رویه‌های عادلانه.

همچنین در ارتباط با حکمرانی متعالی باید اذعان کرد رالز تأکید می‌کند عدالت بدون ملاحظات بین‌نسلی ماندگار نیست. مطابق نظریه رالز در بحث مصرف منابع ملی و طبیعی، مصرف منابع در جایی معقول است که نخست، نیازهای نسل حاضر را به میزان معقول برطرف کند. دوم، موجب افزایش و پس‌انداز فرصت‌ها و ثروت و درآمد برای نسل‌های بعدی شود (عظیمی، ۱۴۰۲: ۴۶).

عدالت اجتماعی بین‌نسلی در این موارد خلاصه می‌شود:

۱. رعایت توزیع عادلانه فرصت‌ها و امتیازات میان افراد یک جامعه؛

۲. عدم تبعیض‌های اجتماعی، نژادی، مذهبی، مدنی، جنسیتی و منطقه‌ای؛

۳. تحقق مشارکت مؤثر هم‌افزای افراد جامعه؛

۴. تأمین آزادی‌های اساسی براساس قانون (عابدینی، ۱۳۹۴: ۱۲-۱۱).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

فردریش فون هایک^۱ و عدالت تکاملی رویکرد فون هایک به موضوع عدالت را باید از تأکید او بر عقلانیت تجربی در دفاع از اقتصاد بازار آزاد و عدم دخالت دولت در هرگونه توزیع ثروت، کالا و خدمات استنباط کرد. فون هایک که رویکرد فردگرایانه به عدالت دارد، عملاً مخالف عدالت اجتماعی و معتقد است: مفهوم عدالت اجتماعی قدرت برانگیزاننده و وسوسه‌انگیزی دارد. به همین علت او کاربرد مفهوم عدالت اجتماعی

۱. Hayek

را تقبیح می‌کند و آن را عوام‌فریبی می‌داند و مخالف هرگونه دخالت دولت و حتی دولت‌های رفاه در بازتوزیع ثروت است.

با وجود این وی معتقد است دولت باید حداقل‌هایی را برای قشرهای ناتوان تعیین کند و تخصیص بدهد؛ بنابراین وی طرفدار «تمهیدات دولتی برای تأمین حداقل درآمد برای تیره‌روزان و بداقبالان است. در عین حال این امر را مسئله‌ای مربوط به عدالت اجتماعی نمی‌داند. دریافت‌کنندگان چنین حداقل درآمدی به هیچ‌روی بیش از آنهایی که درآمد زیادی از بازار دارند، شایستگی و استحقاق آن را ندارند. این حداقل درآمد صرفاً به این دلیل باید به آنان داده شود که تسکین درد و رنج یا پیشگیری از درد و رنج کاری درست و بجاست» (هایک، ۱۳۸۲: ۲۳۱).

از نظر هایک، عدالت در نظم خودجوش تنها به نحوه اجرای بازی مربوط می‌شود؛ یعنی تنها در صورتی که کسی قواعد بازی را رعایت نکند، عمل او غیرعادلانه است و به تبع آن نتیجه بازی نیز می‌تواند غیرعادلانه خوانده شود؛ اما اگر بازیکنان به قواعد بازی پایبند باشند، نتایج بازی را هرچند ناخوشایند باشد، نمی‌توان ناعادلانه نامید (الحسینی، ۱۳۸۸: ۱۴).

مایکل اوکشات^۱ و عدالت قراردادی

مایکل اوکشات معتقد است در تجربه غرب، جامعه مدنی و حکومت قانون تمهیداتی هستند که در آنها اشخاصی که خودشان را به‌عنوان «فرد» به حساب می‌آورند، با یکدیگر رابطه دارند، نه به شکل تصمیمی تقدیرگرایانه یا برای تعقیب هدف یا مقصودی مشترک برای بشریت، بلکه به شکل پروسه‌ها و خواسته‌های مورد توافق برای به دست آوردن فرصت‌های تضمین‌شده. افراد و اعضای جامعه ذیل همین قانون نظم می‌گیرند و به هم مربوط می‌شوند؛ «قواعدی که تعهدات اجتماعی کارگزاران و «حقوق» مشابهی را که این تعهدات، تحقق بخشیده‌اند، مقرر می‌کنند؛ در چارچوبی که آنها با ویژگی‌هایشان به‌عنوان فعالیت اقتصادی و با همه تفاوت‌هایی که با یکدیگر دارند، مطرح می‌کنند و خودشان را به‌مثابه شهروندانی با حقوق برابر به رسمیت می‌شناسند» (اوکشات، ۱۴۰۱: ۱۲۸).



اوکشات با به‌کارگیری عبارت «حکومت قانون» به‌عنوان یک روش ارتباط اخلاقی، منحصرراً برحسب به‌رسمیت شناختن اعتبار قواعد (به‌عبارت دقیق‌تر، قوانین) شناخته‌شده، در پی تبیین تعهدات پذیرفته‌شده و متقابل بین فرد و حکومت است که با پذیرش قانون، هر دو طرف را محدود به رفتارهای معقول می‌کند. تنها «امر عادلانه» ای که حکومت قانون می‌تواند در نظر بگیرد، وفاداری به اصول رسمی و انعطاف‌ناپذیری است که ویژگی ذاتی این عبارت (حکومت قانون) هستند ازجمله ابزاری نبودن، تفاوت نداشتن برای اشخاص و منافع، ممانعت از امتیازات انحصاری و قانون‌شکنی و غیره (فولر ۲۰۱۳، به نقل از درباره تاریخ، ص ۱۷۳).

اوکشات استدلال می‌کند که انصاف یا عدالت قانون به دو امر اشاره دارد: اول، داوری درباره اینکه آیا این قوانینی که ما داریم دقیقاً به‌عنوان قوانینی در مفهوم دقیق کلمه پدید آمده‌اند. دوم اینکه آیا این قوانین «احساس اخلاقی تربیت‌شده رایج» را تحت تأثیر قرار می‌دهند تا تشخیص دهند که چطور به‌راحتی بین تعهدات قانونی و وظایف اخلاقی‌مان که باید از یکدیگر انتظار داشته باشیم، تمیز دهیم؟ تعهداتی که مایل نیستیم اجباری شوند (فولر، ۲۰۱۳: ۸).

اوکشات برای عدالت بر عدم تفاوت بین افراد، پایبندی به تعهدات و وفاداری به قوانین و مقررات، ممانعت از امتیازات انحصاری برای افراد خاص و اختیاری بودن تعهدات تأکید می‌کند.

- رویکرد اسلامی به عدالت اجتماعی

عدالت هم از نظر فردی و رفتار درونی، یعنی رابطه فرد با خودش، و هم از نظر اجتماعی و رفتار بیرونی، یعنی رابطه فرد با دیگران، یکی از اصول و توصیه‌های اصلی دین و مبتنی بر فطرت و عقل انسان است. بنابراین همه ادیان الهی و به‌ویژه دین اسلام و رهبران جامعه اسلامی به اجرای عدالت به‌عنوان امری الهی و وظیفه‌ای دینی می‌نگرند. ارزش و بزرگی عدالت در سطح اجتماع از منظر قرآن به حدی است که به‌صورت اصلی بنیادین و بدل‌ناپذیر مطرح شده است و خداوند به‌طور قاطع به آن فرمان می‌دهد و آن را واجب می‌کند. برخی آیات مبین این موضوع عبارت‌اند از: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ...» (نحل/۹۰). «یا داود اَنَا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةَ فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْعَدْلِ» (ص/۲۶). در همین راستا به جامعه اسلامی یادآور می‌شود که بدی‌ها و دشمنی‌های مخالفان نباید



شما را از راه عدالت بیرون کند و «حتی با دشمنان تان با عدالت رفتار کنید»: «ولایجرمَنک شنان قوم علی ان لاتعدلوا اعدلوا هو اقرب للتقوی» (مانده/۸).

براساس آیه مبارکه «قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ...»: «بگو: پروردگارم به عدل و داد فرمان داده» (اعراف/۲۹)، یکی از مهم‌ترین مأموریت‌های انبیای الهی نیز برپایی قسط و عدالت است. قطعاً دامنه برقراری این عدالت تمام شئون و مناسبات جامعه است و مهم‌ترین عرصه و حوزه برقراری عدالت توزیع عادلانه ثروت و منابع اقتصادی است که در اسلام به آن بسیار تأکید شده است.

این اصل قرآنی (اجرای عدالت کامل در جامعه بشری) در سیره عملی رسول خدا ﷺ آشکار بود. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «بطل ماکان فی الجاهلیة واستقبل الناس بالعدل» (حکیمی و همکاران، ۱۳۸۴: الحیاة، ج ۶: ۳۵۹). پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم رسوم جاهلیت را از میان بردند و در رفتار با مردم از عدالت آغاز کردند. همچنین از نظر امام علی علیه السلام، آن اصلی که می‌تواند تعادل اجتماعی را حفظ کند و همه را راضی نگه دارد، به پیکر اجتماع سلامت و به روح اجتماع آرامش بدهد، عدالت است (مطهری، ۱۳۸۳: ۸۰).

از میان دانشمندان اسلامی فارابی در کتاب «مدینه فاضله» جامعه را به بدن و رهبر آن را به قلب تشبیه کرد و چون رهبر هماهنگ‌کننده و منشأ نظم سایر فعالیت‌ها به‌شمار می‌رود باید سجایایی چون قوت، تصمیم و هوشیاری داشته باشد و شیفته دانش و حامی عدل باشد (شریف، ۱۳۸۹: ۶۵۵). بعدها خواجه نصیرالدین طوسی با تجزیه امور به اخلاق، تدبیر منزل و سیاست، معتقد است با ظهور حکومت هرکسی به سهمی که مستحق آن باشد قانع شود، بی‌آنکه به حقوق مشروع دیگران تعدی کند. بنابراین اجرای عدالت و وظیفه عمده هر حکومتی است که باید در رأس آن مِلکی عادل قرار گیرد (شریف، ۱۳۸۹: ۸۱۵-۸۱۴).

استاد مطهری برای تبیین مسئله عدالت و ارائه تعریفی واضح و روشن از آن در کتاب «عدل الهی» شش برداشت از عدل را بیان می‌کند:

۱. موزون بودن؛

۲. تساوی و نفی هرگونه تبعیض؛



۳. رعایت استحقاق‌ها و افاضه وجود و امتناع نکردن از افاضه و رحمت به آنچه امکان وجود و کمال وجود دارد.

۴. رعایت حقوق افراد و دادن پاداش و امتیاز براساس میزان مشارکت آنها؛

۵. حقوق و اولویت‌ها؛

۶. خصوصیت ذاتی بشر (مطهری، ۱۳۹۲: ۱۵۶).

علامه طباطبایی می‌نویسد: عدالت برپا داشتن مساوات است و برقراری موازنه بین امور، به طوری که هر چیزی سهم مورد استحقاق خویش را داشته باشد (طباطبایی، ۱۳۶۷، ج ۱۲: ۲۵۳) و همچنین «اجرای قانون بدون تبعیض و استثناست» (ندایی، ۱۳۷۹: ۵۰۹).

محمدباقر صدر ریشه همه ناعدالتی‌های اجتماعی و نبودن ارزش‌های معنوی در دوران معاصر را در نبودن «نظام سیاسی- اجتماعی صالح و شایسته می‌داند» و می‌گوید: «باید دانست که مسئله اصلی و محوری در هر نظم اجتماعی تأمین کامل نیازهای فرد یا آن فرد نیست، بلکه عبارت است از ایجاد توازن عادلانه بین نیازهای همه افراد جامعه (عدالت) و تنظیم روابط افراد در چارچوبی که جوابگوی همه پرسش‌ها و تأمین‌کننده تمام نیازها باشد» (جمشیدی، ۱۳۷۹: ۵۹).

شهید صدر یکی از اصول اقتصاد اسلامی را عدالت اجتماعی و ضامن سعادت جامعه می‌داند که بر دو اصل عمومی استوار است (صدر، ۱۳۸۲: ۳۰۴):

۱. اصل تأمین اجتماعی: مسئولیت اساسی دولت در اقتصاد تحقق بخشیدن به اصول عدالت است. برعهده دولت است تا فرصت‌های شغلی مناسب را برای افراد فراهم کند که بتوانند با کار و کوشش، زندگی خویش را اداره کنند و چنانچه افرادی عاجز از کسب و کار باشند یا دولت توانایی ارائه فرصت‌های شغلی را نداشته باشد، تأمین اجتماعی افراد برعهده دولت است.

۲. اصل توازن اجتماعی: دولت اسلامی به تناسب وظیفه و مسئولیتی که در به ثمر رساندن هدف رفاه عمومی و توازن اجتماعی دارد، اختیارات و امکاناتی نیز برای اجرا و عملی کردن، در اختیارش قرار داده شده که عبارت است از:

الف) وضع مالیات‌هایی که به‌طور ثابت و مستمر اخذ می‌شود و برای توازن عمومی به مصرف می‌رسد.





ب) فعالیت‌های بخش عمومی و سرمایه‌گذاری‌های دولتی؛
ج) اختیارات قانونی و حقوقی برای تنظیم روابط اقتصادی جامعه و نظارت بر تولید.

ه) عدالت اجتماعی در دیدگاه رهبری انقلاب اسلامی

- دیدگاه امام خمینی علیه السلام

«ریشه اندیشه عدالت امام خمینی علیه السلام را علاوه بر مبانی قرآنی و جهان‌بینی اسلامی، به صورت عملی باید در آشنایی و تعلق ایشان به مکتب عدالت علوی جست‌وجو کرد. باید امام را مبتکر طرح عدالت اجتماعی در قالب حکومت اسلامی در دوران معاصر دانست؛ به طوری که امام رویکرد جمع‌گرایانه و برپایی نظام و حکومت اسلامی را مقدم بر رویکرد فردی به عدالت می‌داند. رهبر انقلاب معتقدند: «عدالت اجتماعی یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین خطوط در مکتب سیاسی امام بزرگوار ماست. در همه برنامه‌های حکومت در قانون‌گذاری، در اجرا، در قضا، باید عدالت اجتماعی و پر کردن شکاف‌های طبقاتی، مورد نظر و هدف باشد...» (بیانات در مراسم پانزدهمین سالگرد رحلت امام خمینی، ۱۳۸۳/۰۳/۱۴).

همچنین ایشان امام را قاعد و قائم به عدالت در عمل می‌دانند و می‌فرمایند: «امام به گفتن هم اکتفا نکرد. امام از همان اول انقلاب، جهاد سازندگی، کمیته امداد، بنیاد مستضعفان، بنیاد ۱۵ خرداد و بنیاد مسکن را به وجود آورد و دستورات مؤکد به دولت‌های وقت داد. امام به این مسائل می‌پرداخت و دستور می‌داد و آنچه در درجه اول، مورد نظر امام بود، عبارت بود از طبقات محروم و مستضعف. از مشخصه‌های خط امام، عدالت اجتماعی و کمک به طبقات مستضعف و محروم است» (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه در دهمین سالگرد رحلت امام خمینی، ۱۳۷۸/۰۳/۱۴).

مهم‌ترین شاخص‌های عدالت‌گرایی اجتماعی امام علیه السلام در طول تشکیل و تأسیس نظام اسلامی را می‌توان در گونه‌شناسی زیر خلاصه کرد:

برپایی عدالت از طریق حمایت از محرومان و مستضعفین جامعه

- ریشه‌کنی فقر؛





- ارتباط مسئولین با محرومین و مستمندان؛
- مشارکت دادن محرومین در فعالیت‌های اقتصادی؛
- اولویت سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی به نفع محرومین؛
- فرمان تأسیس کمیته امداد برای حمایت از محرومین و مستمندان و سالمندان؛
- فرمان تشکیل جهاد سازندگی برای رفع محرومیت روستاییان؛
- فرمان تأسیس بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و خانه‌سازی برای محرومین و روستاییان؛

برپایی عدالت اجتماعی از طریق مقابله عملی با شکاف شدید طبقاتی

- تأکید بر توزیع مجدد ثروت و منابع اقتصادی به نفع محرومین؛
 - فرمان تشکیل بنیاد مستضعفان در راستای توزیع ثروت‌های انباشته‌شده و غصبی سران رژیم سابق بین محرومین؛
 - تشکیل هیئت هفت نفره زمین و واگذاری زمین‌های اربابی به خوش‌نشین‌ها؛
 - امداد و کمک‌رسانی به محرومین و جلوگیری از انفجار فقر و محرومیت؛
 - تأکید بر قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری‌های ملی و منطقه‌ای برای از بین بردن شکاف طبقاتی و بازتوزیع منابع اقتصادی؛
 - تأسیس نهضت سوادآموزی و تأکید بر آموزش رایگان عمومی؛
 - حمایت از نظام بیمه اجتماعی و بهداشتی قشرهای آسیب‌پذیر.
- در مجموع با وقوع انقلاب اسلامی و فروپاشی نظام سلطنتی، امید و نگرش عدالت‌خواهانه در کشور رشد شتابانی یافت و بسیاری از روندها و اقدامات درون‌حاکمیتی در راستای برقراری عدالت اجتماعی به‌ویژه در زمینه اقتصادی شروع شد. در طول دهه نخست انقلاب، به‌رغم جنگ و شورش‌های داخلی، تحریم و کارشکنی‌های استکبار جهانی و گروه‌های نفوذی وابسته و اجانب خارجی، بازتوزیع ثروت در کشور به شیوه خوبی به نفع محرومین انجام شد؛ اما با شروع دوران سازندگی و سیاست‌های اقتصادی باز دولت مجدداً به‌سوی توزیع ثروت به نفع ثروتمندان و شکاف طبقاتی به‌ویژه بین گروه‌های درون‌حاکمیتی و جامعه ناامید از دست‌یابی به آرمان عدالت



اجتماعی و سردرگم در حمایت از قشرهای آسیب پذیر پیش رفت. اگرچه سیاست‌های تأمین اجتماعی و محرومیت‌زدایی و اقدامات نهادهایی مانند بسیج سازندگی و کمیته امداد، مسکنی بر دردهای بی‌پایان محرومین است و همچنان در راستای عدالت اجتماعی ارزیابی می‌شود، اما تمرکز برای عدالت اجتماعی، مسئله نظام تأمین اجتماعی و حمایت از گروه‌های هدف است تا بتواند میزانی از احساس عدالت را در بخش عظیمی از جامعه تأمین کند.

- عدالت در دیدگاه مقام معظم رهبری (مد ظله العالی)

به تبعیت از مکتب فکری امام علیه السلام، عدالت اجتماعی به‌عنوان امر حکومتی و لازم سیاسی - مدیریتی در نظام اسلامی، یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های رهبر معظم انقلاب در ۴۰ سال اخیر بوده است. بر همین اساس معظم‌له علاوه بر تأکید بر اجرای اصول معطوف به عدالت در قانون اساسی، ابلاغ سیاست‌های کلی رفاه و تأمین اجتماعی و همچنین توجه به مناطق محروم در فرایندهای بودجه‌نویسی و ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه‌های توسعه پنج‌ساله کشور، اجرای اصل ۴۴، الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و توصیه به ارکان نظام و مسئولین کشور، «مسئله تحقق عدالت اجتماعی» را به‌عنوان مطالبه‌ای حاکمیتی طرح می‌کنند. با مرور بیانات و دیدگاه ایشان درباره عدالت اجتماعی، مهم‌ترین کلیدواژه‌ها و مضامین متعین به عدالت اجتماعی در گفتمان ایشان را می‌توان در موارد زیر بازگو کرد:

استقرار عدالت توسط نظام اسلامی

- «فوری‌ترین هدف تشکیل نظام اسلامی، استقرار عدالت اجتماعی و قسط اسلامی است» (پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی علیه السلام، ۱۳۶۹/۰۳/۱۰).
- «اساس حکومت اسلامی و جمهوری اسلامی بر اقامه عدل است» (بیانات در نخستین دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت سیزدهم، ۱۴۰۰/۰۶/۰۶).
- «رونق اقتصاد کشور، پیشرفت اقتصاد کشور، هدف اصلی‌اش چیست؟... هدف این است که ما بتوانیم عدالت اجتماعی را در جامعه تأمین کنیم، فقر را ریشه‌کن کنیم...» (بیانات در نخستین دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت، ۱۳۹۸/۰۵/۳۰).



عدالت همه‌جانبه در جامعه

- «می‌خواهیم ایرانی باشد برخوردار از عدالت، عدالت اقتصادی، عدالت اجتماعی، عدالت قضایی» (بیانات در دیدار جمعی از استادان دانشگاه‌ها، ۱۳۹۵/۰۳/۲۹).
- «اینکه ما سیاست‌های اصل ۴۴ را مطرح کردیم، این سیاست‌ها با دقت انتخاب شد، با فکر انتخاب شد؛ افرادی که وارد بودند در مسائل اقتصادی و علاقه‌مند به عدالت اجتماعی و بجد دنبال عدالت اجتماعی بودند، همه آن را تأیید کردند» (بیانات در دیدار کارآفرینان، تولیدکنندگان و دانش‌بنیان‌ها، ۱۴۰۱/۱۱/۱۰).

الزام عدالت در ساختار قوای سه‌گانه

- «به نظر من، هر مصوبه‌ای که شما تصویب می‌کنید، هر لایحه‌ای که در دولت تنظیم می‌کنید، هر بخشنامه‌ای که خود شما در دستگاه خودتان صادر می‌کنید، یک پیوست عدالت باید داشته باشد. باید مراقب باشید این روش، این کار، این دستور، ضربه‌ای به عدالت نزنند» (بیانات در نخستین دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت سیزدهم، ۱۴۰۰/۰۶/۰۶).
- «یعنی اصرار بر تحقق عدالت اجتماعی، اینکه ما می‌گوییم، شعار نیست؛ حقیقت و هویت ماست. ما اگر دنبال عدالت اجتماعی نباشیم، وجود ما پوچ و بیهوده است و جمهوری اسلامی معنی ندارد. باید عدالت اجتماعی را تحقق ببخشیم» (بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۸۳/۰۸/۰۶).
- اصلاح نظام مالیاتی در جهت برقراری عدالت در گرفتن مالیات، توجه به ضرورت تولید و سرمایه‌گذاری‌های تولیدی و ایجاد انگیزه‌های مردمی در پرداختن مالیات و افزایش نسبت مالیات در درآمدهای دولت (ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه سوم توسعه، ۱۳۷۸/۰۲/۳۰).
- «اهتمام اصلی دولت در همه سیاست‌های اجرایی و بخشی، باید رفع محرومیت به نفع ایجاد عدالت باشد» (بیانات در دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیئت دولت، ۱۳۸۰/۰۶/۱۶).

کاهش فاصله طبقاتی

- تنظیم همه فعالیت‌های مربوط به رشد و توسعه اقتصادی بر پایه عدالت اجتماعی و کاهش فاصله میان درآمدهای طبقات و رفع محرومیت از قشرهای کم‌درآمد، با تأکید بر موارد زیر:
 - جبران نابرابری‌های غیرموجه درآمدی از طریق سیاست‌های مالیاتی، اعطای یارانه‌های هدفمند و سازکارهای بیمه‌ای؛
 - تکمیل بانک اطلاعات مربوط به قشرهای دو دهک پایین درآمدی و بهنگام کردن مداوم آن؛
 - هدفمند کردن یارانه‌های آشکار و اجرای تدریجی؛
 - هدفمند کردن یارانه‌های غیرآشکار؛
- تأمین برخورداری آحاد جامعه از اطلاعات اقتصادی (ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه، ۱۳۸۷/۱۰/۲۱)؛
- «تمرکز دادن همه فعالیت‌های مربوط به رشد و توسعه اقتصادی به سمت وسوی «عدالت اجتماعی» و کاهش فاصله میان درآمدهای طبقات» (ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه سوم توسعه، ۱۳۷۸/۰۲/۳۰)؛
- «من معتقدم تلاش برای عدالت اجتماعی و پر کردن شکاف طبقاتی، بزرگ‌ترین مسئولیت ماست» (بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان زنجان، ۱۳۸۲/۰۷/۲۲).
- تقسیم برابر منابع و فرصت‌های کشور
- «عدالت به معنای تقسیم منابع حیاتی کشور میان آحاد مردم، عدالت به معنای تقسیم درست فرصت‌ها میان مردم است» (بیانات در دیدار مسئولان نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۰/۰۵/۱۶).
- «یکی از نمونه‌های مهم عدالت اجتماعی، تقسیم و توزیع متناسب فرصت‌های کشور است» (مقام معظم رهبری، بیانات در ۱۳۸۹/۱۱/۱۵).



- «عدالت اجتماعی یعنی نظر و نگاه دستگاه قدرت و حکومت نسبت به آحاد مردم یکسان باشد» (بیانات در دیدار قشرهای مختلف مردم و کارگزاران نظام، ۱۳۷۵/۰۹/۰۵).
- «گسترش عدالت اجتماعی و تعادل‌های منطقه‌ای» (ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه سوم توسعه، ۱۳۷۸/۰۲/۳۰)؛
- «... رفع تبعیض در بهره‌برداری از منابع گوناگون ملی در میان طبقات مردم، مهم‌ترین و سخت‌ترین مسئولیت ماست» (بیانات در مراسم پانزدهمین سالگرد رحلت امام خمینی، ۱۳۸۳/۰۳/۱۴).

عدالت در رفاه و تأمین اجتماعی عمومی

- «باید همه مواد برنامه در بخش‌های اقتصادی و پولی و فرهنگی و سیاسی و اجتماعی و... به ترتیب زیر باشد: ۱. رعایت عدالت اجتماعی؛ ۲. گسترش و بهبود نظام تأمین اجتماعی» (ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه دوم توسعه، ۱۳۷۲/۰۸/۱۸).
- «اساس سیاست کلی اقتصادی کشور عبارت است از رفاه عمومی و عدالت اجتماعی» (بیانات در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری، ۱۳۷۲/۰۵/۱۲).
- «ایجاد نظام جامع تأمین اجتماعی برای حمایت از حقوق محرومان و مستضعفان و مبارزه با فقر و حمایت از نهادهای عمومی و مؤسسات و خیریه‌های مردمی با رعایت ملاحظات دینی و انقلابی» (ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه سوم توسعه، ۱۳۷۸/۰۲/۳۰).

پیشرفت و توسعه عادلانه

- اقتصاد مقاومتی، عدالت‌محور است و از همه این شاخص‌ها مهم‌تر، شاخص کلیدی و مهم عدالت اجتماعی است (بیانات در جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰).
- «یک شاخص دیگر برای پیشرفت، عدالت است. ما اگر بخواهیم پیشرفت کنیم، در درجه اول، یکی از شاخص‌های مهم، عدالت است» (بیانات در اجتماع مردم اسفراین، ۱۳۹۱/۰۷/۲۲).

عدم تبعیض

- «تا وقتی در جامعه عدالت باشد، تبعیض نباشد، نگاه متفاوت به اشخاص و قشرها نباشد و امتیازطلبی‌های زیادی و نابحق و نابه‌جا در جامعه وجود نداشته باشد، مردم بر خیلی از ناکامی‌ها صبر می‌کنند» (در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۲/۰۶/۱۹).
- «عدالت اجتماعی یک ارزش بالاتر است؛ یعنی استقرار عدل در جامعه و از بین رفتن هرگونه تبعیضی» (بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۸/۱۱/۰۹).

ادای حق مردم

- «اصل عدالت اجتماعی، اجرای عدالت، در نظر گرفتن حق توده‌های وسیع مردم و پر کردن فاصله طبقاتی، یکی از اصول اصلی نظام اسلامی است» (بیانات در مراسم سیزدهمین سالگرد رحلت امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۱/۰۳/۱۴).
- «علاج فقر به شکل اصولی در هر جامعه‌ای، از راه استقرار عدالت اجتماعی و نظام عادلانه در محیط جامعه است. این یک وظیفه دولتی و حکومتی است» (بیانات در خطبه‌های نماز عید فطر، ۱۳۸۱/۰۹/۱۵).

نفی اشرافی‌گری

- «از جمله چیزهایی که روند حرکت به سمت عدالت را در جامعه کند می‌کند، نمود اشرافی‌گری در مسئولان بالای کشور است» (بیانات در دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیئت دولت، ۱۳۸۰/۰۶/۰۵).

ارزش پایدار

- «عدالت و عدل مهم‌ترین ارزش در جامعه است... نظام اجتماعی هم به عدالت وابسته است. اگر عدالت نباشد، هیچ چیز در جامعه نیست» (بیانات در دیدار مسئولان دستگاه قضائی، ۱۳۷۷/۰۴/۰۷).

- «آنجایی که حرکت به سمت کمک به مردم ضعیف باشد، ایجاد عدالت و استقرار عدالت



باشد، مردم طرفداری و حمایت نشان می‌دهند» (بیانات در ارتباط تصویری با مردم آذربایجان شرقی، ۱۳۹۹/۱۱/۲۹).

۴. روش‌شناسی پژوهش

این تحقیق از نظر نوع و سطح کاربری نتایج، تحقیقی کاربردی است که به تبیین عملکرد نشانگرهای عدالت اجتماعی در حکمرانی انقلابی در تجربه انقلاب اسلامی می‌پردازد و از نظر ماهیت داده‌ها و راهبرد اجرای تحقیق، تحقیقی کیفی به‌شمار می‌رود که با رویکرد ترکیبی (روش تحلیل گفتمان و همچنین روش پس‌نگری در آینده‌پژوهی) انجام شده است. این مهم در چهار مرحله به شرح زیر صورت گرفته است:

۱. در بخش اول با بررسی منابع علمی، پژوهش‌ها و مقالات مرتبط مفهوم و نظریه عدالت در رویکرد غربی و اسلامی مرور، دسته‌بندی و تبیین شده است.
۲. در ادامه و در روش تحلیل گفتمان ابتدا با استخراج متن‌های سخنرانی و بیانات رهبری انقلاب اسلامی درباره عدالت و حکمرانی، پاراگراف‌بندی متون مرتبط انجام شد و با کدگذاری باز مضامین، کلیدواژه‌ها و معرف‌های مرتبط کدگذاری و استخراج شد. در ادامه با کدگذاری محوری، مضامین مشترک در قالب مؤلفه‌های اصلی (گره‌گاه‌ها) استخراج و سازمان‌دهی شد.
۳. در مرحله سوم براساس نتایج به‌دست‌آمده از تحلیل گفتمان، الگوی غالب حکمرانی عدالت‌پایه در گفتمان رهبران انقلاب و اندیشمندان غربی مقایسه و تبیین شده است.
۴. در بخش نهایی با استفاده از روش پس‌نگری^۱ تجربه انقلاب اسلامی در تحقق چشم‌انداز عدالت در ساختار حکمرانی بعد از انقلاب تبیین شده است.

۵. یافته‌های پژوهش

نتایج بررسی نشان می‌دهد عدالت‌ورزی در همه عرصه‌های زندگی اجتماعی، به‌خصوص در

۱. Back Casting



حوزه اقتصاد، توزیع منابع و فرصت‌ها و همچنین رفاه و تأمین اجتماعی است. یکی از مهم‌ترین مطالبات اجتماعی و موضوعی مصداق حکمرانی است؛ در حالی که همه نحله‌های فکری بر اهمیت و اجرای عدالت در جامعه تأکید دارند، تعریف واحد و یکدستی از عدالت ارائه نشده است. همچنین رویه‌ای واحد برای تحقق عدالت وجود ندارد. این عدم توافق به‌عنوان یک چالش اساسی پیش روی همه ادعاهای مختلف در باب عدالت وجود دارد؛ بنابراین در تجربه بشری تدوین و تصویب قوانین و سیاست‌های کلان عدالت، تشکیل دولت‌های رفاه، ایجاد ساختارهای بنیادین برای عدالت‌ورزی، اساساً عملی اخلاقی، عقلانی، قانونی و عادلانه است که در راستای برقراری عدالت اجتماعی در ابعاد گوناگون و تسهیل‌گری در حکمرانی مطلوب انجام می‌شود.

علاوه بر فلاسفه کلاسیک و علمای دینی که به عدالت به‌عنوان یک فضیلت توجه دارند، رویکرد سوسیالیستی که بر اصل برنامه‌ریزی متمرکز و دخالت حداکثری دولت در توزیع منابع بین همگان برای اجرای عدالت تأکید دارد، رویکرد لیبرالیستی نیز به موضوع عدالت اجتماعی (موافق یا مخالف) پرداخته است؛ از جمله جان رالز با نگاه برابری‌گرا، هابک با نگاه آزادی‌گرای محض و تکاملی و همچنین اوکشات با نگاه دولت قانون و نظم‌گرا. بنابراین از دیدگاه تحلیل حکمرانی مطلوب و مقایسه این رویکردها نسبت به رویکرد نوین و تعالی‌گرای اسلامی، تشابهات و تفاوت‌هایی مشاهده می‌شود که می‌تواند به تبیین بهتر موضوع کمک کند:

جدول ۲: مقایسه رویکرد غالب گفتمان اسلامی و غربی به عدالت در حکمرانی

فون هابک- تکامل‌گرا مایکل اوکشات- نظم‌گرا	جان رالز- برابری‌گرا	رویکرد گفتمان انقلابی- اسلامی تعالی‌گرا
فون هابک: تمرکززدایی و عدم دخالت کارگزاران دولتی در فرایند اجرای عدالت	میشاق اجتماعی و قانون‌گذاری برای تأمین آزادی و برابری در راستای عدالت	توجه به اصول و ارزش‌های دینی و اسلامی در تدوین قوانین عادلانه در راستای عدالت توجه به مسئولیت دولت و حاکم اسلامی به‌عنوان مسئول تحقق عدالت
آزادی انتخاب و خودتنظیمی فرایندها و عدم دخالت عامل	نهادسازی برای تأمین آزادی و برابری در راستای عدالت	



فون هایک- تکامل گرا مایکل اوکشات- نظم گرا	جان رالز- برابری گرا	رویکرد گفتمان انقلابی- اسلامی تعالی گرا
<p>انسانی</p> <p>عدم توجه به نیازها و شایستگی‌ها به علت عدم توافق بر سر نوع و معیارهای رتبه‌بندی و تفکیک</p> <p>پایبندی به قراردادهای و تعهدات متقابل و رویه‌های تکامل یافته در طول زمان</p> <p>اوکشات:</p> <p>عدم تفاوت بین افراد در اجرای عدالت</p> <p>پایبندی به تعهدات و وفاداری به قوانین و مقررات</p> <p>ممانعت از امتیازات انحصاری برای افراد خاص</p>	<p>سیاست‌گذاری برای تأمین آزادی و برابری در راستای عدالت</p> <p>اتخاذ رویه‌های قانونی برای تأمین آزادی و برابری در راستای اجرای عدالت</p> <p>ایجاد و توزیع فرصت‌های منصفانه و برابر در اجرای عدالت</p> <p>توجه به تفاوت‌ها (دارا و ندار) در ارائه و اجرای عدالت</p> <p>دسترسی به فرصت‌های برابر برای همگان در اجرای عدالت</p> <p>منصفانه بودن تصمیم‌ها و توزیع مناصب و مشاغل در راستای عدالت</p> <p>تأمین بیشترین نفع و پاسخ به نیازهای فقیرترین افراد جامعه در اجرای عدالت</p>	<p>سیاست‌گذاری‌های کلان برای اجرای عدالت</p> <p>توزیع متناسب مناصب و منابع بین آحاد مردم</p> <p>رعایت تعادل‌های منطقه‌ای و رفع تبعیض و زیاده‌طلبی</p> <p>رفع شکاف و فاصله‌های طبقاتی</p> <p>رعایت استحقاق‌ها و توازن انفعال و اختیارات حاکم اسلامی در تخصیص منابع</p> <p>توجه به رفاه و تأمین اجتماعی و عمومی</p> <p>تأکید بر اولویت رفع نیاز فقرا و محرومین‌ترین افراد جامعه</p>

رهبران انقلاب، به خصوص امام خمینی علیه السلام، از ابتدای پیروزی انقلاب و استقرار نظام انقلابی، با مشاهده فروپاشی برخی ساختارهای حاکمیت قبلی و وجود خلأهایی در امور روزمره و دولتی،



درصدد ایجاد ساختارهایی با تکیه بر توان عمومی مردم، به خصوص جوانان برای اجرای عدالت برآمد. بنابراین می‌توان گفت نقطه شروع حکمرانی متعالی حضرت امام علیه السلام برای استقرار عدالت، ساختارسازی مبتنی بر مشارکت مردم و جوانان انقلابی بود. در اولین تجربه انقلاب اسلامی با رویکرد اسلامی، علاوه بر توجه و درک شرایط اقتصادی جهان معاصر با حفظ انگیزه تلاش و مالکیت مادی و معنوی برای فعالان اقتصادی، براساس اصول و ارزش‌های اسلامی و وظایف حاکم اسلامی در قبال آحاد مردم و جامعه و همچنین تأمین رفاه عمومی و کاهش فاصله طبقاتی افق انقلاب، حکمرانی عادلانه را بنیان نهاد که در طول حیات مبارک ایشان و در ادامه توسط مقام معظم رهبری به‌عنوان منشور عدالت‌خواهی انقلاب مشهود است. از بُعد نظری، تحلیل گفتمان امام و مقام معظم رهبری ناظر بر محتوای عدالت‌خواهی حکمرانی متعالی انقلاب اسلامی شامل مؤلفه‌ها و مضامینی است که ساختار گفتمان عدالت را تشکیل می‌دهد.

جدول ۳: توزیع گره‌گاه‌ها و مضامین گفتمان عدالت اجتماعی رهبری انقلاب اسلامی ناظر به حکمرانی متعالی

کد	گره‌گاه اصلی گفتمان	مضامین مشترک در گفتمان
JA	استقرار عدالت	عدالت هدف نظام اسلامی عدالت اساس حکومت اسلامی عدالت هدف پیشرفت
JB	عدالت همه‌جانبه	عدالت اقتصادی عدالت اجتماعی عدالت قضایی عدالت آموزشی عدالت سیاسی
JC	الزام عدالت	پیوست عدالت در سیاست و برنامه‌ها اصرار بر عدالت در رویه‌ها تحقق عدالت در اجرا اصلاح نظام مالیاتی برای عدالت



کد	گروه‌گاه اصلی گفتمان	مضامین مشترک در گفتمان
		مسئولیت دولت و حکومت در اجرای عدالت تشکیل نهادهایی برای اجرای عدالت
JD	کاهش فاصله طبقاتی	جبران نابرابری‌ها توزیع یارانه‌های عدالت‌پایه شفافیت اطلاعات اقتصادی رفع محرومیت قشرهای ضعیف و روستاها توجه به قشرهای کم‌درآمد و طبقات محروم پر کردن شکاف طبقاتی
JE	تقسیم برابر منابع و فرصت‌ها	تقسیم منابع حیاتی کشور توزیع متناسب فرصت‌های کشور نگاه یکسان حاکمیت به آحاد مردم تعادل منطقه‌ای و جغرافیایی بهره‌برداری برابر مردم از منابع مشارکت دادن محرومین در فعالیت‌های اقتصادی
JF	عدالت در رفاه و تأمین اجتماعی عمومی	بهبود نظام تأمین اجتماعی رفاه عمومی حمایت از حقوق محرومان مبارزه با فقر حمایت از مؤسسه خیریه مردمی
JH	پیشرفت عادلانه	عدالت شاخص پیشرفت عدالت شاخص رونق
JG	عدم تبعیض	نفی تبعیض نفی امتیازطلبی مبارزه با تبعیض



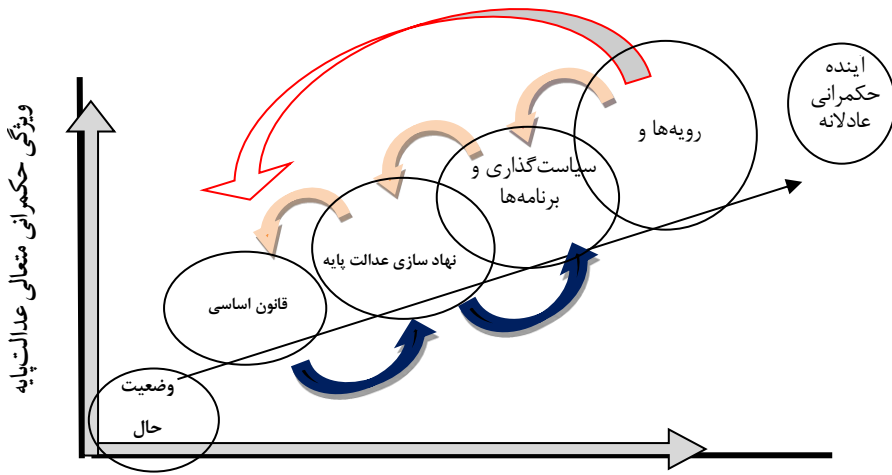
مضامین مشترک در گفتمان	گره‌گاه اصلی گفتمان	کد
توجه به حق توده مردم عدم دست‌درازی به حقوق دیگران	ادای حق مردم	JK
ساده‌زیستی مسئولین عدم اشرافی‌گری در ارکان نظام ارتباط مسئولین با محرومین و مستمندان	مقابله با اشرافی‌گری	JZ
عدالت ارزش اسلامی عدالت ارزش معنوی	ارزش پایدار	JP

۶. بحث، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

۶-۱. بحث

عدالت اجتماعی و حکمرانی پیوند وثیقی با هم دارند. حکمرانی مقوم عدالت و عدالت موجب پایداری حکمرانی است. بر همین قاعده، بسیاری از نظام‌های سیاسی، رهبران و سیاستمداران تلاش کرده‌اند تا روپود حکمرانی را با رویه‌های عادلانه همراه سازند تا نگرش شهروندان را نسبت به نوع حکمرانی خود تحت تأثیر قرار دهند. انقلاب اسلامی برخلاف الگوهای متعارف حکمرانی، داعیه‌دار نوع جدیدی از حکمرانی اسلامی - انقلابی در ایران شده است که در گفتمان رهبران انقلاب چشم‌انداز عدالت خمیرمایه اصلی آن است و رهبرانش از اولین روزهای پیروزی بر رویه‌های عادلانه در نوع حکومت تأکید کرده‌اند. براساس تحلیل گفتمان رهبری انقلاب اسلامی، کلیدواژه‌های اصلی در بسته گفتمانی عدالت‌محور «عدالت هدف نهایی، مبنای ارزشی و دینی، قوانین عادلانه، رویه‌های عادلانه، سیاست‌گذاری عادلانه، نهادهای عدالت‌گستر، رفع فقر و محرومیت، رفع تبعیض، توزیع مناسب و منصفانه منابع و امکانات، نفی اشرافی‌گری، کاهش فاصله طبقاتی، ادای حق مردم، رفاه و تأمین اجتماعی» استخراج و دسته‌بندی شد. تبیین گفتمان نشان می‌دهد که امام خمینی علیه السلام در مرحله اول چشم‌انداز و نقطه مطلوب را نشان داد و سپس براساس آن چشم‌انداز اقدام به اتخاذ گام‌های بعدی کرد که در قالب مدل زیر ترسیم شده است.





شکل ۱: مراحل تحلیل حکمرانی متعالی عدالت‌پایه مبتنی بر روش پس‌نگری

همان‌طور که در مدل ترسیم شده است، تحقق چشم‌انداز حکمرانی عدالت‌پایه مستلزم ارائه تصویری مناسب از هرکدام از مراحل پیش‌بینی شده است که عدالت را در قانون‌گذاری، نهادسازی، سیاست‌گذاری، رویه‌ها و عملکرد و در نهایت حکمرانی متعالی مطابق شکل فوق گام‌به‌گام به تصویر می‌کشد. بنابراین در ارزیابی وضعیت حکمرانی متعالی براساس وضعیت عدالت اجتماعی می‌توان از نقطه مبدأ (حال) به آنچه در چشم‌انداز عدالت‌گستری تصویر شده است، رسید یا بالعکس با بازگشت گام‌به‌گام به مبانی و زیرساخت عدالت‌گستری در جامعه به ارزیابی چشم‌انداز دست یافت.

۲-۶. نتیجه‌گیری

- در تجربه حکمرانی انقلابی با رویکرد عدالت در ایران، رهبران انقلاب با اتخاذ چهار گام اساسی به شرح زیر به تحقق عدالت اجتماعی در قواره حکمرانی اقدام کرده‌اند:
۱. منشور قانون اساسی و قوانین موضوعی با رویکرد عدالت اجتماعی؛
 ۲. ایجاد نهادها و ارکان قانونی و اجرایی عدالت‌گستر در قالب نهادهای انقلابی مانند جهاد سازندگی، کمیته امداد، بنیاد مسکن، بسیج سازندگی؛
 ۳. ابلاغ سیاست‌های کلان عدالت اجتماعی در قالب برنامه‌های توسعه و قانون بودجه سالیانه؛

۴. اتخاذ رویه‌ها و راهبردهای عملیاتی عدالت اجتماعی و رفاه عمومی در قبال قشرهای آسیب‌پذیر، فقرا و محرومین، ایتم و افراد بی‌سرپرست، زنان سرپرست خانواده، روستاییان، مرزنشینان در عرصه‌های آموزشی، بهداشتی، اقتصادی، عمران و آبادانی، مسکن، محرومیت‌زدایی، بیمه همگانی، رفاه و تأمین اجتماعی، یارانه‌های نقدی، کمک‌های بلاعوض معیشتی و

این مدل رفتار با عدالت مورد نیاز در دولت انقلابی، برخلاف رویکردهای رایج در نظام لیبرالی است که با ایجاد طبقه مولد سرمایه‌دار در جامعه صنعتی، اقدام به انباشت ثروت و سرمایه و سپس اجرای سیاست‌های عمومی در قالب دولت رفاه می‌کند. همچنین این مدل برخلاف رویکرد سوسیالیستی و کمونیستی است که معتقد به برابری کامل و بر خورداری یکسان در تولید و مصرف با رویکرد تساوی است. بنابراین تجربه انقلاب اسلامی و گفتمان رهبری انقلاب اسلامی در حکمرانی متعالی براساس عدالت اجتماعی مبتنی بر تعادل رفاه عمومی و آزادی فعالیت‌های اقتصادی براساس شایستگی، توانایی و میزان تلاش و تناسب در حق افراد و جامعه است؛ در حالی که تکیه افراطی دیدگاه لیبرالی بر آزادی مطلق و همچنین تأکید سوسیالیست‌ها بر برابری و تساوی به‌نوعی عدم تعادل گرایش دارد. اولی به شکاف شدید طبقاتی و شکل‌گیری دارا و ندار انجامیده است و دومی به تفاوت‌های سیستمی و انحصار فرصت‌ها و امکانات در دست عده‌ای محدود و نافذ در دایره قدرت سیاسی ختم شده است. علاوه بر تأکید بر اختیارات حاکم اسلامی در قالب انفال و حق تصرف ولی فقیه برای توزیع عمومی برای رفاه طبقات فقیر و گسترش تأمین اجتماعی در جامعه ایران، نوعی همگرایی نسبی در رویکرد غربی و حکمرانی متعالی اسلامی در تکیه بر توازن اجتماعی و همچنین توزیع برابر فرصت‌ها در ابعاد مختلف، به‌خصوص در قوانین عام و نهادها و رویه‌های عادلانه در رویکرد رالز به عدالت دیده می‌شود.

اندیشمندانی همچون رالز با رویکرد لیبرالی - برابری‌گرا خواستار دخالت حداقلی دولت در بستر نهادهای اجتماعی برای اجرای عدالت هستند که تا حدودی به رویکرد اسلامی نزدیک‌تر می‌شود و دارای وجه مشترک با رویکرد اسلامی و انقلاب اسلامی است که اجرای عدالت عملاً از وظایف اصلی و حتی فلسفه وجود حکومت و حاکمان اسلامی است. بنابراین هر دو اندیشه در نهایت در مؤلفه‌های مشترک بر عدالت اجتماعی تمرکز دارند که عبارت‌اند از:

- منشور قانون، وضع قوانین بالادستی عدالت - قوانین عادلانه؛

- ایجاد نهادهای قانون‌گستر- ساختارهای عادلانه؛

- ایجاد قواعد و مقررات و رویه‌های عادلانه.

بنابراین حکمرانی مطلوب در موضوع عدالت اجتماعی و نسبت به انقلاب اسلامی دقیقاً ناظر بر شیوه‌های نهادی تدوین قوانین جامع و کامل، ایجاد نهادها و ساختارهای بنیادین برای اتخاذ سیاست‌های عدالت‌پایه و همچنین مجموعه رویه‌ها و فرایندها و ابزارهای قدرتمند رسمی و غیررسمی برای اجرای همان اصول و قوانین عادلانه در بافتار جامعه شامل توزیع مناسب فرصت‌ها، منابع، امکانات جامعه، مناصب مدیریتی، مشاغل و دسترسی‌های آزاد و برابر برای آحاد افراد جامعه بدون در نظر گرفتن حق انحصاری و همچنین حذف امتیازات ویژه و خاص و در نتیجه رفع تبعیض، فقر و نابرابری در تمامی عرصه‌ها و روابط اجتماعی است. یکی از وجوه مشخص حکمرانی در عدالت اجتماعی بهره‌گیری از زیرساخت‌ها، کارگزاران رسمی و مشارکت نهادهای مردمی در ارائه خدمات عمومی، رفاه و تأمین اجتماعی، بهزیستی، محرومیت‌زدایی، بهداشت و سلامت، آموزش عمومی و مهارت‌افزایی اجتماعی و تأمین حداقل معیشت برای عموم افراد در راستای اجرای عدالت است.

۳-۶. پیشنهادها

۱. با اتخاذ رویکرد آینده‌نگاری مبتنی بر روش پس‌نگری می‌توان ارزیابی دقیق‌تری از وزن و سهم مراحل مختلف برای تحقق حکمرانی متعالی و عدالت‌پایه در تجربه ۴۵ ساله انقلاب ارائه و نقاط قوت و ضعف را بیان کرد.

۲. عدالت به‌عنوان جوهره حکمرانی متعالی در همه شئون زندگی در ابعاد اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، علمی-آموزشی، زیست‌محیطی، حقوقی، مالی، بهداشتی، اطلاعاتی، دفاعی - امنیتی در تجربه انقلاب اسلامی در مقایسه با مدل‌های غربی که صرفاً بر رفاه اقتصادی تأکید می‌کنند، مورد مطالعه و بازنمایی قرار بگیرد.

- جایگاه انفال به‌عنوان کارویژه حکمرانی متعالی اسلامی در برقراری عدالت اجتماعی نسبت به مدل‌های غربی عدالت اجتماعی در موضوع بازتوزیع منابع و ثروت‌های ملی به‌درستی تبیین و متعین شود.

۷. منابع

۷-۱. منابع فارسی

- قرآن کریم (۱۳۷۳)، ترجمه محمد مهدی فولادوند، قم: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- نهج البلاغه (۱۳۷۹)، گردآوری و تنظیم سید رضی، ترجمه محمد دشتی، قم: انتشارات طلّیعه نور.
- اوکشات، مایکل (۱۴۰۱)، درباره رفتار بشری، ترجمه مرتضی افشاری، تهران: انتشارات نگاه معاصر.
- باوش، معصومه، ملیحه شیانی و میثم موسایی (۱۳۹۶)، «تحلیل عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر فقر و نابرابری حوزه سلامت ۱۳۹۴-۱۳۹۰»، فصلنامه رفاه اجتماعی، ۱۷(۶۷)، ۱۰۸-۷۱.
- بارنز و بکر (۱۳۷۱)، تاریخ اندیشه اجتماعی، ترجمه جواد یوسفیان، تهران: نشر همراه.
- بدلی‌وند، مجید، حبیب‌اله کریمیان و سروش فتحی (۱۴۰۰)، «بررسی عملکرد سازمان تأمین اجتماعی در تحقق عدالت اجتماعی»، نشریه مطالعات توسعه اجتماعی ایران، ۱۳(۲)، ۳۷-۵۲.
- بشیری، حسین (۱۳۹۴)، تاریخ اندیشه‌های سیاسی در قرن بیستم، لیبرالیسم و محافظه‌کاران، چ ۱۳، تهران: نشر نی.
- توماس، هنری و دانالی (۱۹۶۴)، ماجراهای جاودان در فلسفه، ترجمه احمد شهسا، چ ۱۶، تهران: انتشارات ققنوس، تجدید چاپ ۱۴۰۱.
- الحسینی، محمدصادق و دومان بهرامی‌راد (۱۳۸۸)، «بررسی مفهوم عدالت در آرا و اندیشه‌های فردریش فون هایک، تناقضات مفهومی عدالت اجتماعی»، دنیای اقتصاد (۲۱۸)، ۲۰-۱.
- حکیمی، محمدرضا (۱۳۷۶)، «تعریف عدالت از زبان امام صادق (علیه السلام)»، مجله نقد و نظر، ش ۲ و ۳، بهار و تابستان.
- حکیمی، محمدرضا (۱۳۷۶)، «حقوق و عدالت»، مجله نقد و نظر، ش ۲ و ۳، بهار و تابستان.
- حکیمی، محمدرضا، علی و محمد (۱۳۹۵)، الحیاء، ترجمه احمد آرام، چ ۶، تهران: نشر دلیل ما.
- دهخدا (۱۳۷۳)، فرهنگ لغات دهخدا، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.



رالز، جان (۱۳۷۶)، «عدالت و انصاف و تصمیم‌گیری عقلانی»، ترجمه مصطفی ملکیان، مجله نقد و نظر، ش ۱۰ و ۱۱.

رالز، جان (۱۳۹۳)، نظریه‌ای در باب عدالت، ترجمه مرتضی نوری، چ ۱، تهران: نشر مرکز.
ساعی، علی و تینا روشن (۱۳۹۸)، «تحلیل کیفیت حکمرانی در ایران»، دوفصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ۶(۲۱)، ۱۸۵-۱۶۷.

سالاری، مصطفی و فرنوش عزیزی (۱۴۰۰)، مستندسازی تجربیات سازمان تأمین اجتماعی در زمینه ارتقای عدالت در دسترسی به خدمات درمانی، مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
شریف، میان محمد (۱۳۸۹)، تاریخ فلسفه در اسلام، ترجمه فتح‌الله مجتبابی و دیگران، چ ۲، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

شفیعی‌فر، محمد (۱۳۸۴)، «دموکراسی و عدالت اجتماعی با تأکید بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، ۲۷، ۷۹-۴۹.

صدر، محمدباقر (۱۳۸۲)، اقتصاد ما، ترجمه محمدمهدی برهانی، انتشارات دارالصدر (پژوهشگاه شهید صدر).

طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۶۷)، تفسیر المیزان، ترجمه آیت‌الله مکارم شیرازی، ج ۱۲، قم: بنیاد علمی و فرهنگی علامه طباطبایی، رجا.

عظیمی، الهام (۱۴۰۲)، تحلیل نظری و تجربی حمایت از خانواده و جوانی جمعیت از نظر گاه عدالت درون نسل و بین نسلی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان، دانشکده ادبیات، گروه علوم اجتماعی.

عمید، حسن (۱۳۶۳)، فرهنگ لغات فارسی عمید، تهران: انتشارات امیرکبیر.

عنایت، حمید (۱۳۷۷)، بنیاد فلسفه سیاسی در غرب، تهران: دانشگاه تهران.

فوادیان دامغانی، رمضان (۱۳۸۲)، سیمای عدالت در قرآن و حدیث، تهران: انتشارات لوح محفوظ.

فولر، تیموتی (۲۰۱۳)، مایکل اوکشات، حکومت قانون و نظم لیبرال، ترجمه مرتضی افشاری، تهران: فلسفه نو.

کرسون، آندره (۱۳۶۳)، فلاسفه بزرگ، ترجمه کاظم عمادی، ج ۲، تهران: صفی‌علیشاه.

کریمی کلیمانی، مجتبی و همکاران (۱۴۰۰)، «الگوی حکمرانی اسلامی مبتنی بر گام دوم انقلاب اسلامی»، مجموعه مقالات سومین همایش ملی حکمرانی متعالی، حکمت ۳.

کلوسکو، جورج (۱۹۹۵)، تاریخ فلسفه سیاسی، ترجمه خشایار دیهیمی، تهران: نشر نی.

کميجانی، علی و همکاران (۱۳۹۸)، «سیمای حکمرانی مطلوب در آینده‌پژوهی از تصویرپردازی تا شکل‌بخشی به آینده»، دو فصلنامه آینده‌پژوهی ایران، ۴(۱)، ۲۳۵-۲۰۷.



مرشدی‌زاده، علی (۱۳۹۶)، «حکمرانی خوب و حکمرانی مطلوب در تمدن نوین اسلامی»، دوفصلنامه آینده‌پژوهی ایران، ۲(۳)، ۱۴۰-۱۲۵.

مطهری، مرتضی (۱۳۸۳)، سیری در نهج‌البلاغه، تهران: انتشارات صدرا.

مطهری، مرتضی (۱۳۸۸)، نظری به نظام اقتصادی اسلام، تهران: انتشارات صدرا.

مطهری، مرتضی (۱۳۹۲)، مجموعه آثار، ج ۱۸، ج ۱۰، تهران: انتشارات صدرا.

معین، محمد (۱۳۶۲)، فرهنگ فارسی معین، ج ۲، تهران: مؤسسه امیرکبیر.

مقدم، وحید و مرجان اسماعیلی کلباسی (۱۴۰۱)، «ارائه نظریه عدالت اجتماعی هایبک در بستر ادوار فکری و نقدهایی بر آن»، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی، پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، ۲۲(۲۵)، ۴۰۱-۳۷۹.

مکارم شیرازی، ناصر (آیت‌الله) و همکاران (۱۳۸۷)، تفسیر نمونه، ج ۱۱، تفسیر سوره نحل، ج ۳۶، تهران: دارالتعلیم الاسلامیه.

مگی، برایان (۱۴۰۱)، فلاسفه بزرگ، ج ۱ «آشنایی با فلسفه غرب»، ترجمه عزت‌الله فولادوند، تهران: خوارزمی. ندایی، هاشم (۱۳۷۹)، «بررسی معنا و مفهوم عدالت با تأکید بر عدالت اجتماعی»، در کتاب مجموعه مقالات عدالت اجتماعی و امیرالمؤمنین علی علیه السلام، تهران: دانشگاه امام حسین علیه السلام.

نصری، حسین (۱۳۸۲)، «عدالت به مثابه انصاف»، فصلنامه مطالعات راهبردی، ۶(۱)، ش، پی‌درپی ۱۹.

هایک، فریدریش فون (۱۳۸۲)، در سنگر آزادی، ترجمه عزت‌الله فولادوند، تهران: لوح فکر.

هزار جریبی، جعفر (۱۳۹۰)، «بررسی احساس عدالت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه مورد شهر تهران)»، اصفهان، دانشگاه اصفهان، فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۲(۳)، ۴۶۲-۴۷۱.

یزدانی زازرانی محمدرضا (۱۳۹۱)، «بررسی رابط مفهومی و تأثیر حکمرانی بر سیاست‌گذاری عمومی»، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۱(۴)، ۱۴۲-۱۰۹.

۷-۲. منابع لاتین

Abi-Ramia Caetano, M (۲۰۲۲), "The Human Right to Long-term Care for the Elderly: Extending the Role of Social Security Programmes", *International Social Security Review*: ۷۵, ۳-۴.

Badalivand, M., & Karimian, H (۲۰۲۱), "Evaluating Justice-Oriented Services by the Social Security Organization from the Stakeholders' Perspective in Tehran", *International Journal of Social Sciences* 11(2).



Friedrich A. (۱۹۸۲), von Hayek, Law, Legislation, and Liberty: A New Statement of the Liberal Principles of Justice and Political Economy, London: Routledge and Kegan Paul.

Gutterman, Alan S (۲۰۲۳), "Older Persons' Rights to Social Security and Economic Justice", See discussions, stats, and author profiles for this publication at:

<https://www.researchgate.net/publication/۳۶۴۳۱۰۳۶۱>,

<https://ssrn.com/abstract=۴۲۴۴۹۷۵> or <http://dx.doi.org/۱۰.۲۱۳۹/ssrn.۴۲۴۴۹۷۵>

Hayek, F. A (۱۹۷۶), Law, Legislation and Liberty, He Mirage of Social Justice, Vol. ۲, London: Routledge

Hope, K.R. (۲۰۰۹), "Capacity Development for Good Governance in Developing Countries", *Sope Lessons from the Field Interational Journal of Public, Administration* ۳۲, ۷۲۸-۷۴۰.

International Labour Conference (۲۰۱۹), *Universal Social Protection for Human Dignity, Social Justice and Sustainable Development: 88th Session: Report of the Committee of Experts on the Application of Conventions and Recommendations*.

John R (۱۹۷۱), *A Theory of Justice*, Harvard University, United States, Belknap Press.

Narveson, J (۱۹۸۰), *Law Legislation and Liberty*, Vol. ۲, The Mirage of Social Justice by Frierich, Hayek, Philosophy of the Social Sciences, ۱(۳).

Panteia, VVA (۲۰۲۲), "Study on Social Services with Particular Focus on Personal Targeted Social Services for People in Vulnerable Situations, Directorate-General for Employment", Social Affairs and Inclusion: Directorate D — Social Rights and Inclusion: European Commission B-۱۰۴۹ Brussels.

Rawls, (۱۹۹۹), *A Theory of Justice*, Revised Edition, Harvard University Press, ۱۹۹۹, ۴, ۸, ۱۷۹, ۵۰, ۳۹.

Sabates-Wheeler Rachel, Stephen Devereux, J. Allister McGregor (۲۰۲۱), Social Protection for Social Justice, in *IDS Bulletin*, November, DOI: ۱۰.۱۱۱۱/j.۱۷۵۹-۵۴۳۶.۲۰۱۱.۰۰۲۶۵.x

Samuel Freeman, *Collected Papers*, Cambridge, Harvard University Press. ۱۹۹۳, PP. ۲۴-۲۵.

Tugba Dundar, Erkan Tabancalib, "The Relationship between Organizational Justice Perceptions and Job Satisfaction Level" *Procedia - Social and Behavioral Sciences* ۴۶ (۲۰۱۲), ۵۷۷۷-۵۷۸۱.

